

سال دوم دوره دوم

رنجبر

ارگان حزب رنجبران ایران

پنجشنبه ۱۲ تیرماه ۵۹ شماره ۷۲ تک شماره ۱۰ ریال

صادق قطب زاده در کنفرانس مطبوعاتی دیروز:

«روسیه و حزب توده علیه ایران جاسوسی میکنند»

حزبی که وابسته به بیگانه است
حزب نیست، جاسوسخانه است

«کیانوری و دو افسر حزب توده با بر ژانف ملاقات کرده

و میخوهند سیاست او را در ایران پیاده کنند»

صادق قطب زاده وزیر امور خارجه ایران روز چهارشنبه طی یک کنفرانس مطبوعاتی در جمع خبرنگاران داخلی و خارجی در مورد فعالیت‌های جاسوسی روسیه و حزب توده در ایران مسئله آرم‌ها و هم چنین در مورد رادیو تلویزیون توضیحاتی دادند که در زیر خلاصه‌ای از آن را می‌آوریم:

● در مورد فعالیت‌های جاسوسی روسیه و حزب توده:

«در تعقیب فعالیت‌های جاسوسی که دولت شوروی از بعد از انقلاب در داخل ایران انجام داده و میدهد و حزب توده که

اعتراض نیروهای استقلال طلب و سکوت

توطئه علیه حزب رنجبران ایران را در هم می‌شکنیم

حزب رنجبران ایران می‌ایستد و همراه مردم استقلال طلب در دفاع از انقلاب اسلامی ایران علیه آمریکا و شوروی و عمالشان مبارزه را تا به آخر ادامه میدهد

امام خمینی رهبر انقلاب نگرانی و نارضایتی خود را از پیشرفت انقلاب اعلام میکند و دل میلیون‌ها انسان استقلال طلب و انقلابی را در سراسر کشور، میسوزاند. همگی از خود سؤال می‌کنند چرا؟ چرا انقلاب ما با مشکلات روبه‌رو شده است؟

امام خمینی در همان آغاز انقلاب هنگامیکه تهران را بقصد قم ترک میکرد در مورد ادامه انقلاب گفت: «ملت شجاع ایران با این همه مشکلات

اتحاد بزرگ ملی یگانه راه مقابله با بحران کنونی است

در روزهای اخیر، باردیگر موج مشکلات و نا آرامی جامعه ما را فرا گرفت. نارضایتی‌های مردم از سوتی و بحران سیاسی حاکمین از سوی دیگر شدت یافت. امام خمینی، رهبر انقلاب اسلامی، علیه نابسامانی

ها فریاد برآورد و مسئولین را بد ریشه‌یابی و چاره‌جویی فراخواند. موج پاکسازی در ادارات با شتابدگی برآه افتاد و

مردم همه از خود می‌پرسند این نابسامانیها و راه درست و جسدی مقابله با آنها چیست؟ به اعتقاد ما، منشاء اصلی دردها در عدم اتحاد است و چاره آن اتحاد بزرگ ملی است. (صفحه ۶)

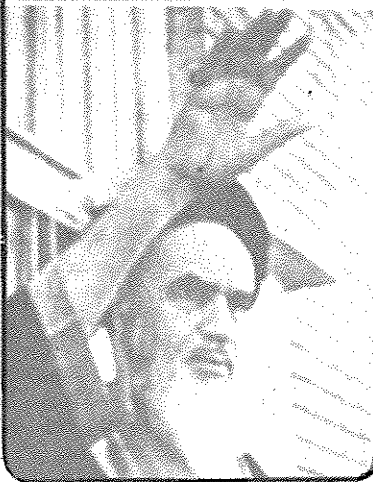
مسائل مختلفی در ارتباط با دانشگاه و فرهنگ و هنر و حجاب و غیره... یکی پس از دیگری روی میز ریخته شد.

سخنان امام

علیه

فرهنگ استعماری

در صفحه ۲



رانندگان ماشین‌های سنگین راه سازی:

ما صدقه

نمی‌خواهیم

کار بما بدهید

در صفحه ۴

یک پیروزی

دانشجویان

ایرانی بر

مقامات

آمریکائی



مامورین ما در روسیه بود. از ۲ کنسولگری ما در روسیه یکی از آنها بکلمه بلا استفاده است

متاسفانه مامورین ایرانی روسیه شوروی هستند از فرصت مقابله مابا امیرالیسم خونخوار آمریکا سوء استفاده کرده‌اند و میخواهند بهر قیمتی که شده در ایران وضعی فراهم بکنند که مالا به نفع روسیه شوروی شود.

ما شاهد و ناظر بسیاری از اعمال خلاف مامورین روسیه شوروی بوده‌ایم و معیارهای دوگانه‌ای که برای ما ایجاد شده بود. مثلا اگر ما حتی یک میخ میخواستیم و بایک کار کوچک فنی می‌خواستیم در سفارت ایران در مسکو بکنیم مجبور بودیم ۳-۴ روز صبر بکنیم تا یک مامور روسی که آنهم کارش معلوم است بیاید و این کار را انجام بدهد. ولی برای رنگ کردن سفارت روسیه در ایران ۳۵ نفر رنگرز و کارگر روسی می‌آوردند به اینجا و کار می‌کردند و با هیئت اقتصادی ما که میخواست به روسیه برود، ۴ روز تمام تلکس و تلفظ نمیدادند. ما در آنجا قطب زدیم

باشند که گرچه استبداد داخلی فروریخت و مردم آزادی را لمس کردند، ولی هنوز ریشه استعمار آمریکا، شوروی، انگلستان و صهیونیسم و سایر جفاوگران از این مرز و بوم کاملاً قطع نشده است. باید همه بدون کوچکترین توقف و رکودی دراز بین بردن نفوذ کشورهای اجنبی با هم متحد شویم.

ما برآنیم که این آموزش امام کاملاً صحیح بوده و منشاء و اساس کلیه مشکلات انقلاب، ابرقدرت آمریکا و شوروی و عمالشان هستند و باید صفوف مردم را از تمام طبقات و اقشار، از تمام مسلکها و ایمانها با معیار مبارزه برای استقلال کشور، و دفاع از شعار نه شرقی نه غربی جمهوری اسلامی متحد کرد و یکپارچه بدوراز هرگونه فرقه گرائی، نفاق اندازی، انقلاب را ادامه داد.

بررقای حزب ماست که اوضاع را دریابند، ازگفته‌های امام که انقلاب با مشکلات روبروست بیاموزند و درسهای لازم را بگیرند چون درچنین شرائطی دوبارقدرت و عمالشان بیش از هرزمان دیگر توطئه می‌چینند.

اجلاس سوم کمیته مرکزی حزب ما ضمن یادآوری این مسئله که تضاد عمده انقلاب ما هنوز مبارزه با امپریالیسم بویژه دوابرقدرت آمریکا و شوروی و عمالشان است، خطر شوروی را برای استقلال کشورمان جدی تلقی نموده و تأکید میکند که باند کیانوری بطور همه جانبه تدارک برای به انحراف کشاندن انقلاب، برای ایجاد یک دیکتاتوری فاشیستی طرفدار شوروی می‌بیند. انشعابات اخیر همگی حکایت از این واقعیت دارند که باند کیانوری درتدارک خود از مرحله عقیدتی به مرحله عمل و تشکیلاتی رسیده است و قدم به قدم این نقشه شوم خود را دارد پیاده می‌کند.

ما بیش از یکماه پیش درسر مقاله رنجبر(شماره ۵۲ پنجشنبه ۲۵ اردیبهشت) دراین مورد چنین نوشتیم: "طبق اطلاعات واصله، حزب توده در نظر دارد با سوء استفاده از جو ناآرام کنونی و تشدید اختلافات موجود در صف خلق، یک حرکت ضد حزب ما را سازمان دهد. ما مطلع هستیم که سوسیال امپریالیسم شوروی از طریق عمال خود حتی در سطح بالای کشوری هم تحت عنوان "ماوئیستها را باید زد" تدارک چنین توطئه‌ای را میریزد". گذشت زمان این موضع ما را بیش از پیش به اثبات رسانده است.

حزب رنجبران ایران پرچمدار استقلال ایران عزیز است، که روی اتحاد بزرگ ملی، اتحاد اسلام مبارز، ملی گرائی مترقی سوسیالیسم انقلابی پافشاری میکند، که پرچمدار مبارزه علیه آمریکا و شوروی است و بخصوص با استواری و پیگیری خطر شوروی را برای مردم ایران افشاء نموده است مورد کینه عمال ابرقدرتها بخصوص ابرقدرت شوروی که در حال تعرض در کشور ماست قرار گرفته است. همه جا ما با اخلاص عوامل ابرقدرت شوروی و باند کیانوری روبرو هستیم. آنها که در دستگاههای دولتی نفوذ کرده‌اند علناً با زدن پرچم امپریالیسم شوروی به رفقای مبارز ما وزیر نام ماوئیستها در همه جا مبارزه‌های آشکار علیه حزب ما برخاسته‌اند. اینکار را باند کیانوری با نقشه به جلو میبرد، تدارک ایدئولوژیک این حزب خائن حالا دیگر وارد عمل تشکیلاتی شده است، به عواملش دستور داده که به حزب رنجبران بهر شکل و در همه جا تعرض و حمله کنند. بعضی از این حملات با پوشش و بعضی آشکار است. متأسفانه پاره‌ای از نیروهای ناآگاه بتحریک عوامل مزدور کیانوری، بطور مشابه عمل نموده و حزب ما را مورد حمله قرار میدهند.

ما به تمام این عوامل بیگانه و بیگانه پرست مزدور باند کیانوری هشدار میدهم که دست از توطئه‌های فاشیستی خود بردارند. حزب ما با خون شهیدانش در دوره پهلوی در عمل ثابت کرد که با امپریالیسم آمریکا و عمالش چگونه مبارزه میکند. مقاومت رفقای وفادار ما در زندانها نشانهای از خط مشی انقلابی حزب ما است که با ابرقدرتها تا آخر مبارزه خواهد کرد. این منطق توده‌های ستم‌دیده و رنج کشیده مردم ماست و حزب ما که اکنون آبدیده تر وبا درایت تر شده است مطمئناً از این منطق پیروی خواهد کرد.

بررقای هواداران حزب است که همه جانبه تدارک ببینند. خود را برای یک مبارزه مشت در مقابل مشت مبارزه‌ای سخت، طولانی بفرنج با عمال امپریالیسم و دشمنان انقلاب آماده سازند و این آمادگی را همراه با کارت‌های، با آگاهی دادن توده‌ها در برابر خطرهای احتمالی جفت و همراه سازند.

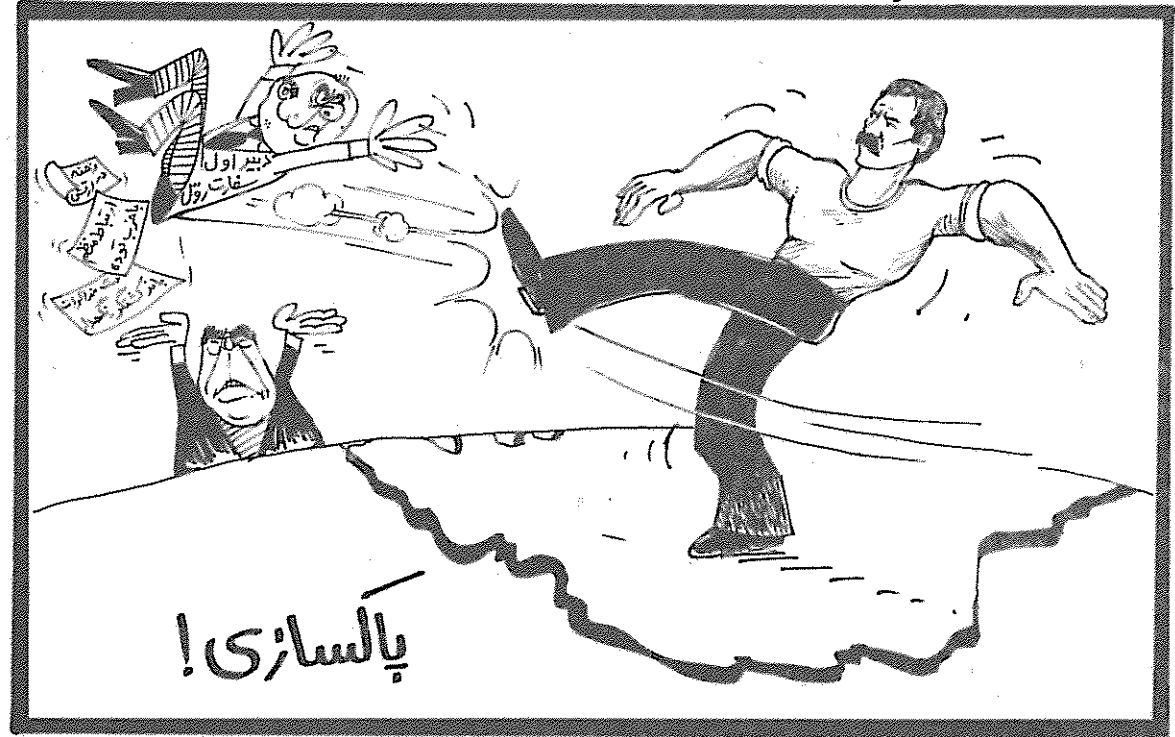
قدرت ما شکست ناپذیر است ابرقدرت ها و عمالشان از دید طولانی شیربرفی هستند اما در مقطع مشخص آنها آدم خوردند، قدرت سرکوب دارند و باید با آنها مقابله به مثل کرد و بطور جدی به آنها برخورد نمود.

باند کیانوری

بقیه در صفحه ۲

بود و هیچ گونه خبری ما نداستیم و از این قبیل مسائل بسیار. تعداد ماورین روسی در اینجا چندین برابر

۵ نفر هم ایرانی نداریم. در واقع بقیه در صفحه ۲



پاکسازی!

طبق آخرین خبر واصله از طریق کنفدراسیون دانشجویان ایرانی (سیس)، به دنبال مبارزات گسترده و پیگیری که از جانب دانشجویان مبارز ایرانی علیه پلیس و دیگر مقامات آمریکائی صورت گرفت و در اثر فشار نیروهای مترقی و آزادیخواه و صد امپریالیستی آمریکا، مقامات آمریکائی ناگزیر گردیدند که سه تن از دانشجویان ایرانی را که در جریان تظاهرات یکشنبه ۸ تیر ماه دستگیر کرده بودند، آزاد کنند. یادآوری میکنیم که این سه تن دانشجوی مبارز بهاساسی علی رشیدی (دبیر کنفدراسیون)، رحمت‌الله جعفری و هوشنگ علائی (فعالین کنفدراسیون) تظاهراتی را علیه تظاهرات عناصر ارتجاعی هوادار شاه و بختیار در شهر لوس آنجلس بهراه انداخته بودند که موفق گردید تظاهرات شاهی و بختیاری را بکلی درهم شکند.

آزادی این سه دانشجوی مبارز یک پیروزی جنبش دانشجویی ضد امپریالیستی ایران در خارج از کشور است.



اعتراض پزشکان به اقدام دکتر نریمیسا: به منافع عمومی انقلاب توجه کنیم!

به دنبال اعتراض دستیاران (پزشکان حین تخصص) تهران به اقدام دکتر اسماعیل نریمیسا در اهواز طبق اخبار پراکنده از امکان اعتصاب در برخی از مراکز درمانی و بیمارستانها صحبت میشود. وزارت بهداشتی و بهزیستی؟ گروهی از پزشکان بهمین مناسبت طی اطلاعیه‌هایی مخالفت خود را بابه تعطیل کشاندن مراکز درمانی اعلام کرده‌اند. دستیاران معترضی به حکم صادره از سوی دادگاه انقلاب اهواز در اطلاعیه و قطعنامه گردهمایی خود، اقدام دکتر نریمیسا را محکوم نموده و آنرا نتیجه کینه جوئی و

بقیه در صفحه ۲

بورکراتها چگونه با بوروکراسی مبارزه میکنند؟ پاکسازی آری، اما چگونه؟

موج "پاکسازی" و "طاغوت زدایی" از ادارات و دستگاههای دولتی ظاهراً در صدر فعالیت‌های حاکمین قرار گرفته و قسمت اعظم اخبار رسانه‌های گروهی را تعویض آرم‌ها و مهرها و تصفیه‌های ادارات تشکیل می‌دهد. این موج و جنب و جوش مسئولین و سران دستگاههای بوروکراسی دولتی بعنوان پاسخگویی به سخنان انتقادآمیز امام خمینی علیه دستگاههای دولتی و مسئولین ملکتی بوجود آمد.

مسئولینی که امروز در امر "طاغوت زدایی" ادارات فعالیتند، در عرض یکسال ونیم گذشته با دردست گرفتن بوروکراسی فاسد وضد مردمی طاغوت، بارها و بارها امید مردم را از انقلاب به یاس و پامان را به خشم، از بی خاصیتی، کارشکنی و ظلم و ستم بوروکراسی فاسد تبدیلیل ساخته‌اند. وهم اینان، اکنون که خود را زیر نورافکن سخنان امام و

نگاههای مردم انگشت نما می‌بینند، بیش از همه به جنب و جوش افتاده و "قهرمان" مبارزه با بوروکراسی و طاغوت زدایی شده‌اند تا این موج نیز بگذرد!

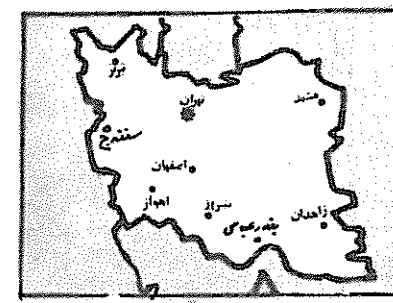
چرا درباره این جنب و جوش طاغوت زدایی و پاکسازی در مجموع منفی سخن گفته‌ایم؟ آیا نمی‌بینیم و نمی‌دانیم بسیاری کسانی که صدقانه می‌خواهند با بوروکراسی و فساد مبارزه کنند؟ چرا. ولی علیرغم وجود مسئولین و افراد صادق، مومن، و متعهد، معتقدیم که انجام هرکاری قوانین، معیارها و شیوه‌های درست خاص خود را دارد و از آن جمله است انقلاب و ادامه آن، و همین امر مبارزه با بوروکراسی و فساد.

ما بارها نشان داده‌ایم مبارزه با این بوروکراسی فاسد وضد مردمی که ابزار حاکمیت امپریالیسم و رژیم وابسته بوده است، جز در رابطه با قطع وابستگی‌ها، یعنی در شرایط

فعلی جز در رابطه با پافشاری بر استقلال از دوابرقدرت، رشد تولید و عدالت اجتماعی برای زحمتکشان امکان پذیر نیست. بعنوان مثال برای آنکه بوروکراسی عظیم دولتی به دستگاه ساده و کارایی برای خدمت به مردم تبدیل شود و در عین حال مشکلات دیگری را بدنیال نیآورد، باید فعالیتهای تولیدی گسترش یابد و اقتصاد ملی شکوفا شود تا بتواند نیروی عظیم عاطل و زائد در ادارات را جذب کند و همزمان ادارات دولتی بصورت ابزار کار ساده‌ای برای حاکمیت ملی و رفع نیازهای مردم در آید.

حال به دو مسئله توجه کنیم: معیار و شیوه. بعد از چندین بار تجربه شکست و بیهوده ماندن معیار "اسلامی" و غیر اسلامی تقسیم کردن، باز هم در جریان پاکسازی و طاغوت بقیه در صفحه ۲

گزارشات شهرستانها



تامین ارزاق عمومی در سنندج با مشکلات روبه‌روست

سنندج - ۱۱ تیر - مسئله تامین ارزاق عمومی در سنندج با مشکلات روبه‌روست ، قبلاً تعداد ۵ چادر فروشگاههای اسلامی به تهیه و توزیع ارزاق عمومی مشغول بودند و حالا تعداد آنان به یکی تقلیل یافته است . آرسوی دیگر وضع بازار بعلت کمبود پول کساد است و بجز مواد غذایی بندرت خرید و فروش صورت میگیرد . حقوق اکثر کارمندان ادارات دولتی از فروردینماه تا بحال پرداخت نشده اینان درحالت اضطراب و ناامیدی بسر میبرند . چون هر آن امکان اخراج آنان وجود دارد ، کمیته پاکسازی مسئول اداره کشاورزی از اواسط ماه گذشته تا کنون حدود ۶۵ نفر از کارمندان را پس از ۲۴ ساعت زندانی با گرفتن تعهد عدم خروج از شهر و قبول دولت جمهوری اسلامی عدم حضورشان در ادارات با سپردن سند مالکیت آزاد کردند . سپس ۱۰۶ نفر از مجموع ۳۵۰ کامند را اخراج کرده و ۱۲ نفر را تبعید نمودند .

اکنون سرنوشت بقیه کارمندان نامعلوم است . همچنین اداره آموزش و پرورش بجز شهرهای بیجار و قروه در کلیه شهرستانها شده و کلیه معلمان را اخراج کرده‌اند .

این اخراجهای بی رویه همراه با دستگیریهای بی دریی و بدون مجوز قانونی و شرعی موجبات ناراضی و ناراحتی‌های فراوانی در شهر شده است . اکثر مردم درحالت تعلیق و بی تکلیفی بسر میبرند و اینگونه اعمال را شدیداً محکوم مینمایند .

واقعیت يك خبر وانعكاس آن در رادیو

سنندج ۲۹ خرداد - درحالیکه عده‌ای از کارگران و بیکاران در میدان شاه سابق تجمع کرده بودند . پاسداران به دو نفر گچ‌کار که با وسایل کارشان در محل حاضر شده بودند مشکوک میشوند و میخواهند که وسایل آنها را تفتیش کنند که با اعتراض کارگران مواجه میشوند . شروع به تیراندازی میکنند . در این تیراندازی کارگر گچ‌کار کشته میشود و شاکردش که زخمی شده بود در بیمارستان میمیرد و ۵ نفر نیز دستگیر میشوند .

ولی فردای آنروز از رادیو اعلام میشود که این دوتفر در اثر انفجار بمب کشته شده‌اند .

قضیه جاسوس روسی

اعتراض نیروهای استقلال طلب وسکوت باند کیانوری

کارگران تجارب خود را برای «رنجبر» مینویسند

تعدادی از کارگران فصلی ، با خواندن "رنجبر" و کتاب " مبارزات کارگران قرقه زرین" ، با استفاده از تجارب سایر کارگران و در سایه تشکل خود ، توانستند به بعضی از خواستهای خود برسند و تجارب جدیدی را کسب کنند . ما دو نمونه از این تجارب کارگران را در زیر نقل می‌کنیم .

تجربه اول :

یکی از کارگران تعریف میکند که : " ما ۶ کارگر هستیم که درجایی کار می‌کردیم . آن روز بعد از نهار به بنا گفتم که ما ۸ ساعت بیشتر کار نمی‌کنیم و سر ساعت کارمان را تعطیل می‌کنیم . ما قبلاً ۱۰ ساعت کار می‌کردیم . بنا گفت که صاحب کار ناراحت می‌شود و غروب به‌شما مزد نمی‌دهد . ما گفتم که غلط می‌کند که ندهد . سر ساعت دست از کار کشیدیم . از روی کتاب مبارزات کارگران قرقه زرین خوانده بودم که باید سعی کرد تمام کارگران را متحد کرد . بنا براین با کارگران دیگر هم قبلاً صحبت کرده بودیم . اوستا از روی داربست پائین نیامد و وقتی ما ملات ندادیم ، او هم بیکار شد . و این نشان میدهد که تمام کارگران نباشیم هیچ چیز درست نمی‌شود ... البته یکی دیگر از کارگران برای او ملات درست کرد و با هم آهسته آهسته کار کردند تا غروب . آن وقت صاحب کار که آدم پولداری است و چند لوادر و بولدوزر دارد پیدایش شد که یک شارلاتان (منظور مباشر صاحب کار است) هم همراه او بود که هم‌اش از صاحبکار تعریف می‌کرد . اوستا به او گفت که ما ۸ ساعت بیشتر کار نکرده‌ایم . که بالاخره پس از کمی صحبت تمام پول را گرفتیم . و فقط صاحبکار گفت که دیگر فردا نمی‌خواهد بیاید و ما هم گفتیم نمی‌آئیم .

نتیجه‌گیری : با توجه به کمبود کار و فراوانی کارگر بیکار ، این خطر وجود دارد که کار گیر نیاید . ولی اگر این کارگران در روزهای دیگر هم همین کار را بکنند و با تمام کارگران صحبت کنند که بیشتر از ۸ ساعت کار نکنند ، این جریان یعنی ۸ ساعت کار کردن در کارهای فصلی و ساختمان.

آنها بین کارگران پخش شدند . کمی با کارگران دیگر صحبت کردند که کمتر از ۷۰ تومان بگیرند . قبلاً بین ۴۵ تا ۶۰ تومان بیشتر نمی‌گرفتند . بقیه ماجرا را از زبان خودشان بشنوید :

... بین کارگران پخش شدیم و به آنها گفتیم که بعضی از ما روز گذشته ۷۰ تومان مزد گرفتیم و امروز هم کمتر را قبول نکنید ... تنها اشکال بر سر این مسئله بود که ممکن بود کارگران افغانی سریع بروند و با مزد کمتر از ۷۰ تومان هم کار بکنند . که آن هم بعلت فقر زیاد و احتیاج شدید آنهاست . به هر صورت با آنها هم صحبت کردیم . هر معمار یا بنایی که می‌آمد و میگفت که مثلاً ۵۰ یا ۶۰ تومان می‌دهیم ، کارگران اعتراض می‌کردند که : " برو بابا ، ما دیروز ۷۰ تومان گرفته‌ایم و امروز بیائیم ۵۰ یا ۶۰ تومان بگیریم ؟ و قبول نمی‌کردند تا اینکه آنها مجبور می‌شوند که به همان ۷۰ تومان یا حداقل ۶۵ تومان راضی شوند . بدین ترتیب اکثر ما امروز ۷۰ تومان کار کردیم ."

نتیجه گیری : کارگران از کار خود این جمع‌بندی را کرده‌اند . اول - مسئله کارگران و ظلم و ستمی که به کارگران وارد می‌شود ، ایرانی و افغانی ندارد و باید آنها مسائل را برای کارگران افغانی یا پاکستانی هم توضیح بدهند و باهم وحدت کنند . آنها ضمن تأکید این مسئله گفتند که ما باید حتی به آنها که درگیر مبارزه با روس‌های جنایتکار هستند کمک فکری بیشتری کنیم . یکی از کارگران می‌گفت : " خود افغانی‌ها هم می‌گویند که این جنگ باعث شده ما خیلی آگاه شویم ."

دوم - باید سعی شود برای مدتی این دو مسئله - یعنی جا انداختن ۷۰ تومان حقوق و ۸ ساعت کار - را به خوبی به نتیجه رساند . و یک وقتی این مسئله بوجود نیاید که حقوق را در مدت کوتاهی که هنوز ۷۰ تومان جا نیافتاده و مثلاً ۸۰ تومان شود . و یا ساعت کار کمتر شود . که همگی کارگران این را تأیید کردند .

کارگران تجربه‌هایشان را برای چاپ در رنجبر می‌فرستند :

بقیه از صفحه ۱ روسیه و حزب توده

اینها باج‌دهی‌هایی بود که رژیم سابق چون نوکر آمریکا بود برای اینکه ابرقدرتها با همدیگر به آسانی بسازند یک باج‌دهی‌هایی هم بدستور ابر قدرت دیگر به ابرقدرت دیگری می‌دادند . ولی چون سیاست ما بعد از انقلاب مبتنی بر سیاست نه‌شرقی نه غربی بود و از آنجا که ما مصمم شدیم که با امپریالیسم آمریکا بسندت بجنگیم ، در حقیقت هیچ دلیلی ندارد که به ابرقدرت دیگر باج بدهیم و تسلیم مطامع آنها بشویم .

تصمیمات شورای انقلاب در مورد فعالیت های روسیه

بر اساس این استدلال بود که شورای انقلاب تصمیم گرفت و ما اقدام کردیم که :

۱- تعداد پرسنل سیاسی ایران و شوروی باید یکسان بشود .
۲- در موسسات غیرسیاسی تعداد پرسنل روسیه از ۲ نفر نباید تجاوز بکند و آنها هم با پاسپورت غیر سیاسی .

۳- استخدام کارمندان محلی ایرانی باید با اطلاع و موافقت وزارت امور خارجه ایران باشد و در روسیه هم با اطلاع و موافقت روسیه باشد . سفارت ما در روسیه هم اگر بخواهد روسها را استخدام بکند باید با موافقت ایران باشد . از طرف دیگر وضع پرسنل در بانک و بیمه‌ها هم باید روشن بشود و ما هم نمیتوانیم در ایران بیمه خارجی داشته باشیم .

۴- ما درلنین‌گراد کنسولگری احتیاج نداریم و اگر دولت شوروی موافق است ما کنسولگری خودمان را در شهر دوشنبه تاجیکستان بساز می‌کنیم وگرنه از ۲ کنسولگری که روسیه در ایران دارد (مثل رشت و اصفهان) یکی از آنها را باید ببندیم .

بهر حال روسها باید توجه داشته باشند که در داخل ایران باید با دقت عمل بکنند . البته من معتقدم که شما روزنامه‌نگاران باید یک مقدار بیشتری به هردو ابرقدرت توجه داشته باشید . برای اینکه پس از جنگ جهانی دوم تمام انقلاب ها و کودتا هایی که در دنیا شده رژیم‌هایی که تغییر پیدا کرده‌اند ، با اینکه در مقابل امپریالیسم آمریکا ایستاده‌اند ، آرام در داخل حدود قدرت و یا چتر ابر قدرت شرق قرار گرفته‌اند ولی ما تنها انقلابی و تنها رژیمی هستیم که خوشبختانه نگذاشته‌ایم به هیچ عنوان این فاجعه رخ بدهد . یعنی از دامن امپریالیسم آمریکا در

کیانوری و ۲ تن از افسران بخش نظامی حزب توده و دانشجویان از اروپا به روسیه شوری رفته‌اند و با آقای برژنف ، کاسکین و گرومیکو ملاقات کرده‌اند و حالا برگشته‌اند به ایران که نظر خودشان را پیاده بکنند - بهیچ عنوان تسلیم هیچ گونه باج دهی و هیچ گونه تبلیغاتی نخواهم شد و سیاست نه شرقی نه غربی دولت جمهوری اسلامی ایران را بجلو خواهیم برد .

آقای قطب زاده در جواب به سؤال خبرنگار رنجبر در مورد اخراج ویلادیمیر گلو وانف دبیر اول سفارت روسیه در ایران و اتباع خارجی دیگری که بر علیه ایران استاد رد و بدل کرده‌اند خاطر نشان کرد که ، دبیر اول سفارت روسیه از ایران اخراج شده ولی در مورد اتباع خارجی دیگر داریم تحقیق و بررسی بیشتری می‌کنیم .

صادق قطب زاده در جواب به سؤال دیگری در مورد سفارت روسیه در ایران گفت : ما صریحاً اعلام کرده‌ایم که نمی‌توانیم با این شرایط با روسیه رابطه داشته باشیم بنظر ما سفارتخانه‌ها باید کار دیپلماتیک بکنند و نه کار جاسوسی . در حال حاضر این خطر از طرف شوروی انقلاب بخوبی حس شده است و هیچ جای نگرانی نیست .

حزبی که وابسته به بیگانه باشد حزب نیست بلکه جاسوسخانه است .

صادق قطب زاده در جواب به یک سؤال دیگر افزود که شورای انقلاب باید بطور جدی در مورد فعالیت های حزب توده عمل نماید . بنظر ما احزاب باید آزاد باشند ولی اگر حزبی نوکر یک دولتی و دار دستهای باشد ، باید از فعالیت آن جلوگیری کرد . احزاب ما باید مستقل باشند . آن حزبی که وابسته به بیگانه است ، دیگر حزب نیست بلکه یک جاسوسخانه است .

صادق قطب زاده در ادامه سخنان خود درباره رادیو تلویزیون گفتند که قرار است در جلسه فردا شب (پنجشنبه) شورای انقلاب بحث بشود . اگر شورای انقلاب اسلامی خواست ویا توانست که یک تصمیم قاطع راجع به این فحاشی‌ها که می‌شود و دروغ‌هایی که گفته میشود موضعی بگیرد قبه‌المراد والا . من شخصاً آدم‌ها را با ذکر نام و وابستگی گروهی آنها معرفی نمی‌کنم . نا گفته نماند که رادیو و تلویزیون بعضی اینکه به این وزیر و آن وزیر و به این سازمان و آن سازمان

دبیراؤل سفارت روسیه در ایران و روشن شدن این واقعیت که سفارتخانه روس هم جاسوسخانه است و ساز اینک باردیگر روشن شد که نه تنها "سیا" سازمان جاسوسی امپریالیسم آمریکا در پی جاسوسی و توطئه در همین ماست بلکه همتای روسی آن "کا.گ.ب." نیز در پوششهای مختلف و منجمله استفاده از پوشش دیپلماتیک و سفارتخانه علیه حاکمیت ملی جمهوری اسلامی توطئه میکند، نیروهای مختلف سیاسی عکس العملهای متفاوتی از خود نشان دادند.

نیروهای استقلال طلب از این جنایت بیشرمانه امپریالیسم روس برآفتند و به اعتراض برخاستند. اما وابستگان و سرسپردگان به روسیه مهر سکوت بربل زدند تا این خبر هر چه زودتر به فراموشی و نسیان سپرده شود.

وزارت امور خارجه در مقابل این اقدام قاطعانه عمل کرد. حزب رنجبران ایران بحض اطلاع از دستگیری جاسوس روسی در برابر آن موضع گرفت و دیگر نیروهای سیاسی مردمی ما خشم و نفرت خود را ابراز داشتند.

روزنامه جمهوری اسلامی تیتربزرگ شماره روز سه شنبه خود را به این مطلب اختصاص داده و ضمن انتشار اطلاعیه وزارت امور خارجه در مورد جاسوسی دبیراؤل سفارت روسیه و اخراج وی از ایران، یادآور میشود این اولین بار نیست که ابر قدرتهای شرق و غرب از پوشش دیپلماتیک برای مقاصد جاسوسی و تلاش علیه انقلاب اسلامی ایران سوء استفاده میکنند. این روزنامه متذکر میشود که ما یکبار دیگر به تمامی سلطه گران شرق و غرب هشدار میدهیم که بر سر جانی خود بنشینند و خود را به اجرای حدود قوانین و مقررات بین المللی موظف بدانند در غیر اینصورت انقلاب ایران آنها را موظف به اجرای قوانین خواهد کرد. در ضمن از مسئولین وزارت خارجه مصرامیخواهیم ایجاد مختلف این جاسوسی را که مسلماً با اخراج آقای گالونف پایان نخواهد یافت، برای افکار عمومی روشن کنند.

روزنامه جمهوری اسلامی ضمن اشاره به این واقعیت که جاسوسان روسی پایبای جاسوسان آمریکایی علیه انقلاب اسلامی فعالیت میکنند، یادآوری میکنند،

سپهر حسن زورب مورخ روسی میتواند با توضیحات بیشتر خود ابعاد مختلف شبکه جاسوسی (ک.گ.ب.) را افشا نماید.

روزنامه "صبح آزادگان" نیز درستون "نازک بین" شماره چهارشنبه خود مینویسد: "از کجا میدانید که اگر سفارت شوروی روزی اشغال شد، مدرک و اسناد جاسوسی کمتر از آمریکا است؟ به چه جرئتی باید در این مورد خاص روسها را کمتر از آمریکاییها دانست؟" آمریکا سفارتش را جاسوس خانه میکند و سفرایش جاسوس هستند تا انقلاب ایران را با تحریف و یاب و شکست بکشاند. حالا هم روسها در ایران جاسوسی میکنند. برای چه؟ مطمئناً برای این نیست که بفرغ انقلاب ایران جاسوسان "سیا" را شناسایی کنند؟! پس او هم در صد داین است که انقلاب ایران را بسمت خود بکشاند و آنرا به شکست بکشاند.

در مقابل این موج خشم و اعتراض، روستامه مردم ارگان دارودسته کیانوری که در ماههای اخیر با تلاش فراوان میخواست خود را بمتایه قهرمان مبارزه علیه جاسوسان آمریکایی عرضه کند، اکنون چنان مهر سکوت بربل زده که گویی اصلاً جاسوس روسی وجود نداشته است!

این سکوت باند کیانوری چه معنی میدهد؟

سکوت این دارودسته مزبور اولاً به این معنی است که آنها انجام جاسوسی توسط اربابان خود را تأیید میکنند، ابتدا مخالفتی با آن ندارند بلکه کاملاً موافقت. ثانیاً به این معنی است که مخالفت و اعتراض نسبت به جاسوسی روسیه در ایران، در واقع ماهیت و علت وجودی خود این دارودسته را به زیر سؤال میکشد چرا که همه میدانند دارودسته کیانوری در حزب توده خود لانه جاسوسی روسیه است. لذا این شوالیه های باصطلاح مخالف جاسوسی سیا، خود جاسوسان و جاسوسی پروران ک.گ.ب. هستند و دعوی آنها با جاسوسان سیا تنها منعکس کننده دعوی دوسازمان جاسوسی کثیف متعلق به دو ابر قدرت جنایتکار و تجاوزگر است. بی شک مردم قهرمان میهن ما، نیروهای سیاسی استقلال طلب دولت جمهوری اسلامی ایران هوشیاری و آمادگی خود را برابر این دو کانون ضد انقلاب توطئه و جنایت بالا برده و با قاطعیت مقاصد شوم آنها را نقش بر آب خواهند ساخت.

نتیجه گیری را خود کارگران کرده اند. تجربه دوم:

کارگران معمولاً هر روز صبح در یک میدان جمع می شوند تا معمارها و بناها ببینند و آنها را انتخاب کرده و سر کار ببرند. کارگران آگاه دست به یک عمل بسیاری جالب زده اند.

سخنان امام

امام خمینی روز سه شنبه در دیدار با روسای آموزش و پرورش سراسر کشور و انجمن اسلامی کارکنان وزارت کشور درباره محتوی آموزش و پرورش در نظام گذشته و اینک که آموزش و پرورش چگونه باید باشد و لزوم تصفیه این مراکز، سخنانی ایراد کردند.

امام درباره آموزش و پرورش در زمان رژیم سابق فرمودند که آموزش و پرورش در آن دوره فقط الفاظ جالبی بودند و در جهت برآوردن احتیاجات و نیازهای ملت و خدمت به خودکفایی میهن ما نبوده بلکه آموزش و پرورش استعماری بودند. شما دیدید که در این مدتی که دانشگاه های ما دست نا اهل ها بود تعلیمات، تعلیماتی بود که جوان وقتی از آنجا بآین تعلیمات بیرون می آمد، غریزه بود.

امام خمینی پس از اشاره به اینکه آموزش و پرورش استعماری فقط تا حدودی و برای او خدمت گرفتن خود به تعلیم جوانان می پرداخته،

بقیه از صفحه ۱
"اعتراض پزشکان

توطئه یک عنصر رژیم سابق و اعمال نفوذ وی دانسته اند. البته خواست دستیاران معترض در مورد رسیدگی به صدور این حکم و پیگیری جهت روشن نمودن قضیه خواست برحق است و شکی نیست که باید دادگاه های انقلاب از وجود عناصر توطئه گر، ناسالم ضد انقلاب پاک شوند. اما در مورد نحوه اعتراض و پیگیری دستیاران تهران، ما معتقدیم که در عین پافشاری بر خواست محقانه، باید منافع و مصالح کل انقلاب و جامعه را در نظر گرفت. اوضاع کل جامعه ما پرهرج و مرج و بحرانی است. همه میدانیم در حالیکه مسئولین و نیروهای ملی و انقلابی می کوشند نظم قانونی را برقرار سازند، دشمنان انقلاب وعده های مخرب و اخلاک آماده بهره برداری از اوضاع هستند تا نگذارند نظم درستی

بروز بیرون بیست و یکم اقدام دولت شوند، خود دست به عمل زدند. آنها می گویند کماگر ما یاد بگیریم، برای کارگران دیگر هم توضیح می دهیم. سر صبح یا سر کار و یا هنگام استراحت ظهر، به هر صورت وقت را از دست نمی دهیم. به کارگران آگاهی می دهیم و بعد یک کاری می کنیم.

فرمودند، حالا هم "با الفاظ نباید گول بخورید. خودتان را گول نزنید که ما در آموزش و پرورش هستیم، آقایان هم با اینکه، ما انجمن اسلامی هستیم با لفظ اسلامی خودشان را گول نزنند. خودشان ببینند که چه کارهایی دارند می کنند و چه کارهایی بنا دارند بکنند و این کارها، بفرغ کشور است....."

ایشان در ادامه سخنان خود بر روی نقش دانشگاهها در تربیت کسانی که به خودکفایی و استقلال کشور خدمت کنند تأکید کرده و گفتند، "دانشگاه یک محل تربیت و تزکیه و محل علم به آن معنایی است که برای کشور ما لازم است... باید اشخاص باشند و انشالله هستند و برنامه بریزند برنامه ای که تعلیمات به مقدار احتیاج به آن اندازه ای که ما محتاج به آن هستیم و آن چیزهایی که برای صلاح کشور ما هست، آنها را در برنامه بگذارند و آن چیزی که بر خلاف صلاح ما بوده است در آن زمان آن را حذف بکنند تا انشالله یک دانشگاهی بشود از حیث علم دانشگاه خوب....."

حاکم شود. در چنین اوضاعی اقشار و گروه های مختلف مردم باید مبارزات درون خلقی و خواستهای خود را با حد نگهداری و همه جانبه دیدن اوضاع به پیش ببرند.

خواست دستیاران پزشکان معترض به اعدام دکتر ترمیسا نیز از اینگونه است. اگر در پیگیری چنین خواستی، تضاد با مسئولین تا حد درگیری های حاد و مختل کردن کار درمان بیماران وغیره کشانده شود، آنوقت مسئله از بعدو مسیر خود خارج شده و بی شک مورد سوء استفاده مخربین و توطئه گران دیگری قرار خواهد گرفت. این خود به هرج و مرج موجود دامن میزند و علت وجودی مراکز خود کامه و بی ثباتی غیر قانونی را موجه جلوه می دهد که این امر درست خلاف خواست و هدف دستیاران پزشکان بوده و همان وضعی است که انجام امور خلاف قانون و از جمله صدور برخی احکام نادرست دادگاهها را در گوشه و کنار، ممکن

بیافتم. به همین دلیل هم کسانی که دارای این سیاست هستند توسط حزب توده و توده های هابی گسه خودشان را در احزاب و دستجات و گروه های دیگر بنام خود آنها جا زده اند و خصوصاً رنگ اسلامی به خودشان داده اند بطور نظام یافته ای کوبیده می شوند.

من تسلیم تبلیغات روسیه نخواهم شد

بهر حال تا آن موقعی که مسئولیت سیاست خارجی به عهده من است با توجه به تمام این توطئه ها که دارد انجام می شود - و بر طبق اطلاعاتی که رسیده است آقای

بقیه از صفحه ۱
"بوروکراتها چگونه

زدایی اخیر همین معیار به ابزار کار تبدیل شده است. ما همواره گفته ایم و امروز بنظر می رسد خیلی روشن تر شده باشد که بپذیریم در جامعه ما بسیارند مردمی که اسلامی نیستند ولی افراد صالحی هستند، در عوض در صفوف مسلمانان نیز افرادی یافت می شوند که صلاحیت لازم را ندارند. این امر دیگر مثل روز روشن شده است که برای وحدت انقلابیون و وحدت مردم باید معیار سیاسی گذاشت تا بین انقلابی، نیمه انقلابی و غیر انقلابی از یکطرف و ضد انقلابی از طرف دیگر خط تمایز کشیده شود. امروز دیگر روشن شده است که حتی جنبش اسلامی خود نیز نمیتواند "مکتبی" وحدت کند چون منافع، نظرات و تعبیرها متفاوت است و جنبش اسلامی نیز باید با معیار سیاسی محک زده شود. مهم

میسازد. بنا بر این ما از پزشکان و دستیاران انتظار داریم که برای رسیدن به خواستهای خود، از طریق اصولی مسئله را پیگیری کنند و به مصالح کل جامعه و برقراری هر چه سریعتر نظم انقلابی بیندیشند.

خارجی که بر علیه ایران تبلیغات می کنند رسیدگی بنماید. صادق قطب زاده همچنین افزود که هم اکنون ۲۲ رادیو به زبان فارسی برنامه منتشر می کند و مسئولین رادیو تلویزیون بجای اینکه موج های بین المللی آن را بگیرند و یا از طریق ایچا پارزیت مانع تبلیغات آنها بشوند، تمام مهندسیین با شرف و متعهد و متخصص را بیرون کرده اند. در زمانیکه من مسئول رادیو تلویزیون بودم، ما قادر بودیم که در ۴۸ ساعت از فعالیت آنها جلوگیری کنیم. من امیدوارم که شورای انقلاب هر چه زودتر به این امر رسیدگی بکند و این افراد را که از هر گروهی باشند تنبیه نماید.

اینست که برای مردم و برای میهن و انقلاب در عمل چه می کنی. معیار "اسلامی و غیراسلامی" این بار نیز چون گذشته از یک سو در صف انقلاب و در صف مردم شکاف می اندازد و از سوی دیگر این خطرا دارد که فساد و ضد انقلاب را بزیب پوشش "اسلامی" - که تنها ظاهری از اسلام واقعی دارد - ببرد، که تشخیص و تمایز آن را مشکل میسازد. در ضمن با این نحوه شتاب زده کار کسی نمیدانند که در لابلای طاغوتیان چه کسانی قربانی تسویه حسابهای گروهی و شخصی می شوند، چادارد از مسئولین بپرسیم شما این جریان را به کجا می خواهید ختم کنید؟ چه برنامه ای دارید؟ چه چیزی را در نظر دارید جایگزین کنید؟ کجا و کی این برنامه ها تنظیم شده و اعلام شده است؟

همه شواهد حکم می کند که برنامه منظم و تدوین شده ای ندارید و نمی دانید جریان امر را به کجا می برید. حال اگر گفته باشیم بوروکراتها خود سوار بر موج مبارزه ضد بوروکراسی شده اند تا مصون بمانند بیراهه نرفته ایم. و به همین دلیل است که گفتیم که اگر وضع به همین منوال ادامه یابد این موج نیز می گذرد و چیزی نصیب مردم نخواهد شد.

ما را در رفع مشکلات مالی یاری کنید

بانک ملی ایران
گمکهای خود را
به حساب بانکی زیر واریز نمایید: تهران - شعبه خیابان ایرانشهر
شماره حساب ۱۳۳۸

اخراج کارگران اتومبیل سازی در آمریکا

دیترویت - کارخانه ماشینی سازی آمریکا روز ۵ تیر اعلام کرد که به علت بائین آمدن فروش اتومبیل هایش ۱۰ درصد از کارگران قسمت تولید کارخانه را برای همیشه از کارخانه اخراج میکند و یکی از کارخانه های خود را در شهر "میل واک" تا

سال ۱۹۸۲ می بندد. این اخراجیها شامل ۷۰۰ نفر هستند که اسامی ۳۰۰ نفر آنها قبلا اعلام شده است. کارخانه های جنرال موتورز، فورد، و کرایسلر نیز قبلا اعلام کرده بودند که برای کاهش هزینه های خود عده ای از کارگران فنی خود را اخراج میکنند.

شیراز: با تبدیل نانوائی ها به فروشگاههای نان ماشینی فکری هم برای کارگران خباز بکنید

اخیرا تعدادی از نانوائی های شیراز به فروشگاههای فروشنده نان ماشینی تبدیل شده اند. این مسئله باعث بیکاری تعداد زیادی از کارگران خباز خواهد شد. چون نان ماشینی احتیاج به تعداد اندکی کارگر دارد. کارگران خباز روزانه ۱۲ ساعت در مشکل شرایط کار میکنند و از مزایا و بیمه و بازنشستگی

توجه جدی دولت و مقامات مسئول مملکتی قرار بگیرد. از طرف دیگر در حالیکه دولت به علل مختلف و از جمله هرج و مرج سیاسی ناشی از وجود مراکز متعدد خودکامه قدرت و اختلال مشی انقلابی نمایی قادر نیست که به نابسامانی های اقتصادی کشور خاتمه بدهند، بعضی از افراد سودجو نیز از موقعیت سوء استفاده کرده و به این وضع دامن میزنند. استفاده از ماشین به جای نیروی کار انسانی موقعی معقول و منطقی می باشد که کشور با کمبود نیروی انسانی لازم روبرو باشد. و در حالیکه میلیونها کارگر بیکار در کشور وجود دارند استفاده از ماشین بجای انسان که فقط سود معینی را برای عده معدودی در بر دارد به قیمت بیکاری و خانه خرابی کارگران شاغل تمام میشود، به بحران موجود در جامعه کارگری کشور دامن خواهد زد. ما توجه جدی دولت را به این مسئله جلب می کنیم و مصرا خواستار تهیه یک برنامه جامع و عاقلانه برای استفاده از نیروی انسانی موجود و سروسامان دادن به وضع نابسامان اقتصادی کشور هستیم به اعتقاد ما هرگونه سرمایه گذاری باید در چهارچوب یک برنامه اقتصادی درست و عاقلانه که پاسخ گوی این مرحله خاص از حیات جامعه ما باشد انجام بگیرد و به سرمایه دار سودجویی اجازه داده نشود که بخاطر منافع محدود شخصی خود با زندگی و هستی کارگران زحمتکش و خانواده های آنها بازی کند.

و با این عمل خود حدود ۲۰۰۰ نفر از کارگران خباز را فقط در شهر شیراز در معرض بیکاری قرار داده اند. این امر باعث اضافه شدن تعداد زیادی کارگر بیکار به خیل بیکاران شده و بحران موجود را شدیدتر و وخیم تر خواهد کرد. کارگران خباز شیراز در نامه ای به روزنامه "خبر" دوشنبه ۵۹/۳/۱۹ خواستار رسیدگی به این وضع شده و از دولت تقاضا کرده اند که حقوق کارگران را برحقوق سرمایه داران مقدم بدانند. جامعه ما در حال حاضر با بحران عظیم بیکاری و هرج و مرج اقتصادی روبروست. صدها هزار کارگر در جریان انقلاب و ماههای اول پس از پیروزی انقلاب بعلت فرار سرمایه داران طاغوتی، تعطیل بسیاری از طرحهای عمرانی - ساختمانی و تاسیساتی و کمبود مواد اولیه و ... بیکار شدند. در طی ۱۷ ماه گذشته نیز بعلت آنکه دولت یک برنامه صحیح اقتصادی برای استفاده از نیروی عظیم انسانی کشور تهیه نکرد و همچنین بعلت اختلال های مشی انقلابی کاذب و نبودن امنیت لازم برای سرمایه گذاری، نه تنها برای بیکاران کشور کار ایجاد نشده است، بلکه اخراجهای دسته جمعی کارگران نیز شروع شده و روز بروز بر شمار کارگران بیکار افزوده میشود. در چنین شرایطی، ایجاد کار برای کارگران بیکار و تامین زندگی بیکاران از طریق دادن بیمه بیکاری به آنها از جمله مسائلی است که باید مورد

مهارلو: روستائی در استان فارس

توانایی های مهارلو: میتواند قسمتی از احتیاجات غذایی کشور را تامین کند

کمبودهای مهارلو: برق، درمانگاه، حمام و ...

شرح زیر است:
الف - ۲/۳ از این تعداد (۴۰ خانوار) جزو دهقانان کم زمین هستند که اغلب خود بر روی زمینها کار میکنند و فقط در بعضی مواقع کارگر روز مزد استخدام میکنند.
ب - ۱/۳ (۲۱ خانوار) باقیمانده نسبت به گروه اول از موقعیت مناسبتری برخوردارند و کارگر روز مزد میگیرند. اکثر این روستائیان باغهای انار، بادام و انجیر هم دارند. زمین های این بخش از روستائیان حدود ۲۰۰ هکتار است که مورد اختلاف و دعوا با روستای "محمود آباد" میباشد. سه خانوار از ۲۱ خانوار مذکور، وضع بهتری نسبت به باقی دارند و از اهالی محمود آباد هستند که یکی از آنها کدخدا مهارلو و دونفر دیگر برادران او میباشند. در سالهای گذشته بنا بر گفته اهالی، روستائیان محمود آباد بر روی این زمین ها (زمینهای مورد اختلاف) بصورت اجاره ای کار میکردند چون روستائیان محمود آباد زمین کشاورزی ندارند و از طریق دامداری امرار معاش میکنند.

تومان اجاره میکنند به شیراز حمل کرده و میدان داران شیرازی هم با ۱۰٪ کارمزد آنها را میخرند. گاهی روستائیان از میدانداران پول قرض میکنند که در موقع فروش محصول این قرض ها را پس میدهند. اهالی مهارلو هم محصولات کوهی مانند جاشیر، کنگر، ریواس و ... بدست میآورند که بخشی را خود مصرف کرده و باقی را برای فروش به بازار شهر عرضه میکنند.
دامداری در این روستا جمعا حدود ۵۰۰ راس گاو و ۲۵۰۰ راس گوسفند وجود دارد که بصورت چهارگله به چرا میروند و مبلغ ۳۰ ریال بابت هر گوسفند به چوپان داده میشود. هر خانوار ۱ تا ۲ گاو و ۵ تا ۲۰۰ راس گوسفند دارد. دامداری در بیسن اهالی مهارلو، بشیوه سنتی صورت میگیرد و هر ده تا ۳۰ خانوار دامهای خود را به یک چوپان برای نگهداری میدهند. در اثر دامداری، مقداری هم لبنیات تولید میشود که اهالی آن را به شیراز عرضه میکنند. در همین ده یک قصابی با کشتار روزانه ۳ تا ۴ گوسفند فعالیت دارد و لسی اغلب روستائیان گوشت مرغ مصرف میکنند که از شیراز تهیه میشود.

اسماعیل آباد و آب چشمه استفاده میکنند. آب اسماعیل آباد درسال های بارانی بسیار پر آب است و به باغها سرازیر میشود. در همین قسمت باغها بوسیله آب چشمه هم آبیاری میشوند و در هرچهل روز یک شب آب داده میشود. بجز کشت آبی، کشت محصولات کشاورزی به صورت دیم هم صورت میگیرد. در همین روستای مهارلو، برخی از اهالی تلمبه دارند و تقریبا ۱۰۰ هکتار از زمین ها بوسیله همین تلمبه ها آبیاری میشوند.
یک شرکت کود شیمیایی در این روستا متعلق به پتروشیمی فعالیت میکند که از دریاچه نمک، مواد اولیه برای تولید کود استخراج میکند. اخیرا درگیری هایی بین اهالی مهارلو و این شرکت بوجود آمد. ریشه این درگیری بر این پایه قرار داشت که اهالی تقاضا میکردند تا برای تامین برق روستا، بخشی از درآمد این شرکت صرف این کار شود. زنان روستا نیز بکارهای گوناگون مانند پشم رسی، زوارجل و گلیم بافی مشغولند و فی المثل برای رسیدن یک من پشم، ۵۰ تومان میگیرند. هر روار جل که ۷۰ تومان هزینه و از یک هفته تا ۱۰ روز هم وقت میبرد، به قیمت ۱۰۰

موقعیت جغرافیایی: این روستا در ۴۸ کیلومتری جاده شیراز - فسا قرار گرفته و از مشرق به دریاچه نمک، از مغرب به جنگل و کوههای مرتفع و از شمال به جاده شیراز - فسا و از جنوب به روستاهای حوالی سروستان محدود میشود. تمام ده در یک طرف جاده و مقداری از زمینهای زراعی مهارلو در طرف دیگر جاده قرار دارد. مسیری که روستا را به جاده اصلی وصل میکند، جاده ای بطول یک کیلومتر و خاکی است.
وضع عمومی روستا: حدود ۳۳۰ خانوار در این روستا زندگی میکنند و در حدود ۴۰ نفر از روستائیان نیز در شهرداری شیراز بکار رفتگری مشغولند.
روستای مهارلو برق، دکتور و درمانگاه ندارد. هفته ای یکبار "جمعیت زنان ایران" دکتور و دارو به مهارلو میبرد. تنها مدرسه ده تا آخر دوره راهنمایی دایر است و جهاد سازندگی مبلغ زیادی خرج ساختن دیوار آن نموده است. روستا دارای یک کتابخانه بنام "صد بهرگی" است که بهمت جوانان ده و "جمعیت زنان ایران" برپا شده است. در

«يك و يك» هرودشت
«شهباز نوروزی» را
خودسرانه اخراج کرده اند
و مالیات و بیمه هم از حقوق کسر میکردند. چه خطائی از من دیدند که بیرونم کردند؟ دزدی کردم؟ کار نکردم؟ ... آیا در این دوره پیری روی گدائی دارم؟ آبروی دولت را هم نبردم که بگویم بیکار و بدبخت هستم. به اداره کار، مددکس شکایت

چ - در حدود ۲۷۰ خانوار هم فاقد زمین زراعتی هستند و باغداری میکنند.

مسجد دیگری هم در دست ساختمان است. حمام روستا مدتی است که خراب شده و کسی از آن استفاده نمیکنند. آب آشامیدنی روستا لوله کشی است و از یک چشمه تأمین میشود و رویهمرفته کمبود آب مشکل مهم اهالی نیست.

فعالیت های روستائیان مهارلو:

زمین های کشاورزی روستا، جمعا هزار هکتار است که از این مقدار، ۴۰۰ هکتار زیر کشت و بقیه بصورت باغ بهره برداری میشوند. زمین های روستا از دو منبع مختلف آبیاری میشوند. بخش اول زمین ها که حدود ۳۵۰ هکتار است بوسیله قنات آبیاری میشوند و چون در زمان حفر قنات یک نفر در آن مرده است، به آن "آب خونی" میگویند. در این بخش هر ۲۰ روز یکبار به هر هکتار زمین یک شب آب داده میشود. بخش دوم زمین ها از آب

مهارلو حدود صد کارگاه روارچسل باقی وجود دارد. لازم به یادآوری است که یک آهنگری نیز در این ده فعالیت میکند که بکار ساخت وسایل ابتدایی کشاورزی مشغول است. آهنگر مزبور یکه و تنها و بدون شاگرد است و اگر مریض شود یا حادثهای برایش اتفاق بیافتد برای مدتی دکانش بسته خواهد شد.

محصولات کشاورزی

محصولات عمده روستای "مهارلو" گندم، جو، عدس، طالبی، سیب زمینی، بادمجان و گوجه فرنگی است که بادمجان و گوجه فرنگی بیشتر بمصرف خود روستائیان میرسد. در مهارلو باغات انجیر، بادام و انار هم وجود دارد.

روستائیان تولیدات خود را اغلب برای فروش به شیراز میبرند و گاهی هم در بندرعباس عرضه میکنند. آنان این محصولات را بوسیله واگنهای دو تکی که ۱۲۰

شرکت تعاونی

روستای مهارلو خود شرکت تعاونی ندارد ولی ۲۵۰ تن از روستائیان عضو شرکت تعاونی "ده کنجون" هستند که با مهارلو ۱۰ کیلومتر فاصله دارد. شرکت تعاونی با دریافت ۲۵ تومان به ازای هر تن، گندم روستاهای اطراف را میخرد و به اداره غله میفروشد. روستائیان از شرکت تعاونی تا ۵ هزار تومان وام میگیرند که معمولا برای پرداخت آن، مجددا تقاضای دریافت وام میکنند. شرکت درعین حال بذر و کود به کشاورزان میدهد.

قشریندی در روستای مهارلو

قبل از "اصلاحات ارضی" شاه مخلوع، یک مالک بنام لشکری با چند شریک در این ده وجود داشت. بعد از "اصلاحات ارضی" زمینهای مهارلو و آب خونی بین ۶۰ خانوار تقسیم شد که موقعیت و وضع آنها

کمیبودهای روستا و خواستههای دهقانان:

روستای مهارلو از نظر برق، درمانگاه و حمام دچار کمبود میباشد و روستائیان خواستار برطرف شدن این کمبودها هستند. بهره‌مندی از برق، پزشک و خدمات درمانی و بهداشت حق طبیعی دهقانان زحمتکش میهن ماست و دولت باید در جهت تأمین این خواست ابتدایی آنان اقدامات لازم را سریع انجام بدهد. نیروی پرتوان دهقانان زحمتکش میهن ما آماده برای هرگونه عمل و کار لازم برای برطرف کردن کمبودهاست که خود از عهده آن برمی آیند. ولی قسمتی از این کمیبودها را دهقانان به تنهایی نمیتوانند برطرف نمایند. در مورد رفع این کمیبودها، نظیر تأمین برق این روستا و تأمین خدمات پزشکی و درمانی است که دولت باید اقدام نماید.

پرونده‌های در اداره در سیراز به جریان افتاد.

ضمن صحبتی که خبرنگار رنجبر با آقای نوروزی داشت ایشان گفتند: "حدود ۵ سال نگهبان بودم و در چادر دم کارخانه زندگی میکردم نه جمعی داشتیم، و نه آزمایش کار برخوردار بودم و نه مشمول ۸ ساعت کار در روز. ۲۴ ساعت آنجا کار میکردم"

بوسم، وی به تیر من رسیدنی نکردند چون که دستشان در دست مدیر کارخانه بود. بعدش آدم شیراز دومرتبه هم از طرف اداره کار شیراز نوشتند که مرا قبول کنند، گفتند که کارخانه فعلا "مدیرش فرار کرده و ما اختیار نداریم. حالا هم که مدیر کارخانه آمده، فعلا دست بنده کار ندادند."

در چهارمین سالگرد خونین شهر سووتو موج اعتصابات کارگری در آزابابالا گرفت

تاون کشته شدند. پلیس دیروز اظهار داشت که حدود ۱۰۰۰۰ کارگر از ۱۶ کارخانه اتومبیل سازی سایر کارخانجات صنعتی در شرق ایالت "کیپ" دست به اعتصاب زده‌اند. منابع صنعت ماشین سازی گفتند که حدود ۳۵۰۰ اعتصاب کننده در کارخانه "فولکس واگن" در "یوتین هاگ" که هفته پیش دست از کار کشیده‌اند همچنان بروی خواسته‌های خود برای افزایش دستمزد از ساعتی ۹۰ سنت به ۱/۶ دلار باقی مانده‌اند. کارخانجات "فورد" و "جنرال موتورز" از این اعتصابات به سختی آسیب دیده‌اند.

دوشنبه دوم تیر، هزاران کارگر سیاه پوست و دورگه در "آزابابالا" (آفریقای جنوبی) تهدید کردند که تمام صنعت اتومبیل سازی این کشور را میخوابانند. این اعتصابات که با خواست افزایش دستمزد می باشد با شدیدترین شورش‌های چهار سال اخیر در این کشور همزمان شده است. این شورشها بخاطر بزرگداشت چهارمین سال سرکوب "خونین" شورش دانشجویی در "سووتو" و سایر شهرهای آزابابالا برپا شده است. سرکوبی که توسط اقلیت نژادپرست سفید پوست حاکم صورت گرفته بود. طی این شورش ها فقط در هفته گذشته ۳۲ نفر در شهر کیپ

تجربه‌ای از فروش رنجبر

هواداری کارگران از حزب رنجبران ایران

خوشحالی باصدای بلند میگفت: جانم! و باز که ما آن جمله را تکرار میکردیم او از دفعه پیش بیشتر خوشحال میشد. از ما خواهش میکرد که باز آن جمله را تکرار کنیم. او ایستاد تا ما تمام تیتراها را خواندیم و در آن موقع با این وصف که پول کمی داشت ولی رنجبر را به قیمت ۲۰ ریال از ما خریداری کرده و به راه خود ادامه داد. ما در آن محل یک مشتری دائمی نیز داریم که او هم کارگر کرد است او همیشه رنجبر را به قیمت ۲۰ ریال میخرد.

باسلام به شما ملت ایران: من پسری ۱۴ ساله هستم و یکی از هواداران در شهر اهواز. یک اتفاق جالبی برای من رخ داده است که در موقع فروختن روزنامه رنجبر اتفاق افتاده و ما پلم که برای شما نقل کنم تا اگر مایل بودید آنرا در روزنامه درج کنید. من این را برای این بشما مینویسم تا بدانید که کارگران فقیر نیز هواداران شما هستند. در روز ۵۹/۴/۲ من و رفیقم رفته بودیم که رنجبر را بفروشیم. در آن روزنامه با تیترا بزرگ نوشته بودید، روسیه هم هیچ غلطي نمیتواند بکند. در نزدیکی ما یک کارگر ایستاده بود و ما تا اینکه آن جمله را میخواندیم او از فرط شوق و

چرا این صنعتگر گروگانی را سرمایه دوانید؟

در رنجبر شماره ۶۱ گزارشی در مورد یکی از صنعتگران گروگانی بنام آقای "نادر فرشین" چاپ شده بود. وی اقدامات فراوانی جهت کمک گرفتن از دولت انجام داده است ولی مسئولین فقط در حرف کار "نادر" را تأیید کرده و در عمل هیچگونه اقدامی برای او نکرده‌اند بلکه گفته‌اند: "اینکارها به درد نمیخورد، این عکسها و نامه‌ها را بگیر و ببر و نپسالتش نرو!" این کارگر که از کاغذبازی‌های فراوان دلسرد شده است میگفت: "جرامن از دولت حمایت کنم ولی دولت از من حمایت نکند؟ حتی میخوانند کارگاه را طبق ماده ۱۹ تبصره ۲، خراب کنند چون میگویند در زمین مزروعی ساخته شده است! دولت انقلابی نباید با قانون طاعتی زندگی کند. اگر قانونی در خدمت مردم نباشد و از صنعتگر دفاع نکند به چه دردی میخورد؟" بالاخره جهاد سازندگی مرکز با خواندن رنجبر شماره ۶۱ نامه‌ای به جهاد سازندگی گروگان نوشته است که از این فرد حمایت کنند و وامی در اختیار کارگاه او بگذارند ولی هنوز از وام خبری نیست.

برای اتوپوسها کمک راننده استخدام کنید

خودش یک دارو دسته راه انداخته، شده رئیس. معلوم نیست هدفشان چیست؟ آخر مردم کلی شهید دادند جواب خون این شهدا را چه کسی باید بدهد؟ این هابی که هدفشان غیر از هدف انقلاب است باید بدانند که اگر به امام و رئیس جمهور توجه نکنند باید دستور آنها را حرکت خواهیم کرد و دیگر اثری از آنها نخواهیم گذاشت. این انقلاب را ما کارگران، ما جنوب شهری ها کردیم نه خان خانها. این خانها اصلا از این انقلاب سهمی ندارند یا به غرب وابسته‌اند یا به شرق و همه فعالیت آنها بنفع ابر قدرتهاست. ولی ما طبقه زحمتکش و جنوب شهر با تمام قدرت با آنها خواهیم جنگید تا یک ایرانی مستقل داشته باشیم.

کارگر شرکت واحد.

محمد رضای خائن کمک راننده ها را با تهدید از ما گرفتند و از آن تاریخ تا امروز ما را شکنجه دادند، ولی امروز که حکومت اسلامی شده ما باید انصاف داشته باشیم. نباید قبول کنیم یکی ماهانه ۳۰۰۰ تومان داشته باشد بخورد ولی یکی بیگار و جلوی زن بجداش شرمند باشد. اتوپوسهای باین بزرگی حتما باید کمک داشته باشند. به ما راننده‌ها خیانت شده. آخر آنها چگونه قبول میکنند که ما راننده ها در این گرمای ۴۰ درجه پشت فرمان هی کلاچ بگیریم هی ترمز بگیریم آنها با آن ترافیک سخت. تازه کار کمک راننده را هم به ما محول کردند. ناراحتی مردم بقدری زیاد شده که اصلا نمی شود با مسافرها صحبت کرد. تا میخواهی حرف بزنی آماده هستند که سرت را از تنت جدا کنند. آخر کجای دنیا دیده‌اید یک نفر گواهینامه یک داشته باشد ولی روزی صد تومان بگیرد. این دور از عدالت است و بنفع انقلاب نیست. این دردها روز بروز زیاد میشود که یک موقع سرتان را بلند میکنند می‌بینید که کاراز کار گذشته! آنوقت دیگر خیلی دیراست. هرکس برای

نامه یک راننده شرکت واحد

سلام بزحمتکشان راستین انقلاب. درود بر شهیدان راه حق و آزادی. من راننده شرکت واحد هستم. تا بحال صدبار دردمان را به مسئولین امر گفتیم ولی هیچ کس به دردم توجه نکرد. بنابراین تصمیم گرفتم که مسئله خودم را روی کاغذ بیاورم و برای روزنامه رنجبر که واقعا توجه بیشتری به کارگران دارد بفرستم تا شاید از طریق روزنامه، آقایان به دردم راننده هاهم توجه کنند.

در تمام راهیمیایی‌ها که بنفع انقلاب از سوی طبقه زحمتکش تشکیل میشد، ما کارگران واحد هم در آن سهیم بودیم. بعد از پیروزی انقلاب ما راننده هاهم ناراحتی داشتیم و در اجتماعات واحد همه آنها را با مسئولین در میان گذاشتم و آنها وعده دادند که به تمام آنها رسیدگی خواهیم کرد. ولی تاکنون به هیچ یک از آنها رسیدگی نکردند. یکی از دردهای ما مسئله کمک راننده است. امروز برای همه روشن شده که مملکت با بیگاری عجیبی روبروست در صورتی که کسی از این مسئله را شرکت واحد میتواند حل کند. در زمان

رانندگان ماشین های سنگین راه سازی:

ما صدقه نمی خواهیم، کار به ما بدهید

که به خود بنده اینکار را پیشنهاد کرده است در اردبیل".

روز عیدی نتوانستیم

یک کیلو میوه

برای بچه همام بخیریم

در پاسخ به این سؤال که "تعداد شما چند نفر است؟" آقای رهبر اکبری گفت: "... اینجانب رهبر اکبری از منطقه اردبیل. ما آنقدر زیاد هستیم که نمیتوانیم خودمان را به مقامات بالا معرفی کنیم. حدود ۳-۴ هزار نفر شاید هم ۱۰ هزار نفر هستیم... من خودم ۸ سرعائله هستم. همه بچه های

بیکاری بیداد می کند و صدها هزار نفر از زحمتکشان کشور که در جریان انقلاب بیکار شده اند همچنان بیکارند و خود و خانواده هایشان با مشکلات متعددی روبرو هستند. متأسفانه در ۱۷ ماه گذشته دولت به علت نداشتن یک برنامه روشن اقتصادی نتوانسته است از نیروی عظیم کارگران بیکار برای بازسازی کشور استفاده نماید و حل مسأله بیکاری همچنان در دستور کار دولت قرار دارد. برای اطلاع از کم و کیف مشکلات زحمتکشان به میان آنها رفتیم و بای صحبت گروهی از رانندگان ماشین های سنگین راه سازی که عموماً از بعد از انقلاب همچنان بیکار هستند، نشستیم. رانندگان و کمک رانندگان ماشین آلات سنگین راه سازی، نیرویی هستند که می توان از آن در ایجاد شبکه راه های کشور در خدمت استقلال اقتصادی کشور استفاده کرد. ولی دولت توجهی به این نیروی عظیم ندارد و حتی جهاد سازندگی هم گاه های راه سازی را بدون استفاده از وجود رانندگان ماشین آلات انجام می دهد.

نیروی سازنده رانندگان راه سازی در حال حاضر در قهوه خانه ها بیدار می رود. آنها در تهران چند مرکز تجمع ثابت دارند و عمدتاً در خیابان قزوین چهارراه عباسی، میدان انقلاب خیابان کارگر، سواره آذری، چهارراه کالج و... جمع می شوند و با صبری بی نهایت انقلابی منتظر اقدامات دولت هستند. آنچه که مانع از استفاده از وجود این نیروی عظیم می شود، جدا از فقندان برنامه روشن، وجود یک بوروکراسی مزاحم دولتی است که در حالیکه ماشین های راه سازی صادره شده در حال خاک خوردن و پوسیده شدن هستند مانع از قرار دادن آنها در اختیار رانندگان می شود. از طرف دیگر پراکندگی رانندگان هم به این مسئله کمک کرده است. طبیعتاً

بولدوزر، گریدر، اسکرپر، لودر، غلطک، ویپر... و ماشین آلات دیگر هستند، کارگر بودند و برای مردم کار می کردند. الان شرکت ها خوابیده اند. و آنهایی که در شرکت ها را بسته اند و ماشین آلاتشان را خوابانده اند یک گرفتاری آنهایی که ماشین آلاتشان صادره شده، باز هم یک گرفتاری دیگر. برای اینکه رانندگان راه سازی برای شرکت ها کار می کردند و دستگاهی از خودشان نداشتند. جهاد سازندگی هم راننده های احتیاج ندارد. فقط تنها چیزی که احتیاج دارد اینها که از خودش ماشین داشته باشد و پشتش بنشیند، بره برای جهاد سازندگی کمتر یا بیشتر کار بکند... جهاد سازندگی مستقیماً به یک راننده جاده سازی مراجعه نمی کند.

کاری از ما بکشد باید ما را بخواهد... شخصی خود بنده (سعیدالله رشید زاده) که امثال من زیادند اینجا ۲۰-۲۲ سال حتی ۳۰ سال... حتی از دوره رضا شاه کور بگور شده سابقه کار دارند. از آن دوره کار می کردند، الان بیکار هستند. راننده های سابقه داری که واقعا دولت می تواند از شان کار بکشد. یک کارگر سابقه دار راه سازی مطابق یک مهندس سابقه دار می تواند برای دولت کار بکند و بخاطر ده تا تک تومانی اینجا مانده. یک چیزی دیگر بدتر اینکه رانندگان دستگاه های سنگین خانه شان اینجا نیست. خانه شان شهرستان است و اینجا در مسافر خانه سکونت می کنند و شوی ۳۰-۳۵ و حتی ۴۰ تومان از این ها پول می گیرند. و اینها ناچارند بدهند.

در زمان طاغوت بیمه

نبودیم، الان هم نیستیم

از بیمه پرسیدیم. یکی از رانندگان به نام "صفرالماسی" گفت: "ماها از زمان طاغوت ۹۹ درصد دفترچه بیمه درمانی نداریم. آن هم به این علت است که بعد از ۳ ماه که کار می کردیم می خواستیم قانونی بشویم بعنوان مختلف بهانه می کردند و بیرون می انداختند. از این نظر همیشه از نظر درمانی محرومیت داشتیم و هنوز هم محرومیت داریم... از انقلاب به این طرف هم که معلوم است چون بیکاریم... صفر در ادامه حرفهایش اضافه کرد: "البته ناگفته نماند از نظر بیمه، از همه کارگران که کار می کردند بیمه و مالیات کلان می گرفتند ولی کم می نوشتند. یعنی

سعید الله رشید زاده گفت: " ما از سندیکا تا بحال روی خوش ندیده ایم اول به اسم کارگر ایجاد می شود و بعدیک برنامه دیگر اجرا می شود... محمود شیرازی گفت: " من کارگر تریلر و کمر شکن هستم و چندین سال است که در این کار زحمت کشیده ام. همین کامیونداران که ۲ یا ۳ کامیون دارند از جیب ماست... من چندین مدت است که برای گرفتن کار از دولت در "خانه کارگر" اسم نوشتم ولی هنوز خبری نشده. وضع ما که حدود ۲۵۰۰ نفر هستیم و اسم نوشتیم همگی خراب است. من از اوائل انقلاب بیکار هستم. از مقامات بالا می خواهم که به کار کسانی که در خانه کارگر اسم نوشته اند و فرار است کار به شان داده شود سریعا رسیدگی کند چون به نان شب محتاج هستند. " کارگر دیگری افزود: اینجانب سید رضا موسوی... خانواده دار وزن و بچه دارم و تصدیق پایه ۲ همگانی دارم. حدود ۱۲ سال سابقه کار دارم و ۶ سال هم پیش اصرفخار سرمایه دار معروف کار می کردیم. از اوائل انقلاب دست مرا گرفت و بیرون کرد و حقوقی که ۳۵۰۰ تومان زده بود ۲۵۰۰ تومان داد و با پاسبان مرا بیرون کرد. من از دولت می خواهم هرچه زودتر رسیدگی شود.

ما باج نمی خواهیم

کار به ما بدهید

محمود شیرازی گفت: " عرض دوم اینه که اینهایی که از طرف دولت به شان "انتر ناس" و "وایت" داده می شود کسانی هستند که سواری آخرین سیستم دارند و بهترین خانه ها را دارند که ۲ میلیون قیمت داره. تنها سه تا..."



که راه حل مشکلات را ندانند در سبب و وحدت آنها می باشد و تنها از این طریق است که آنها می توانند دولت را وادار نمایند که به فکر چاره اندیشی برای حل مشکلات آنها بیفتند.

با آنها که صحبت کردیم برایمان از مشکلات خود، از بیکاری و گرفتاریهایی که داشتند، از عدم توجه دولت وعدم استفاده از ماشین آلات صادره شده و... حرف زدند و آنچه در زیر می خوانید، قسمتی از گفتگوی ما با این زحمتکشان است.

از انقلاب به این طرف بیکاریم

ابتدا از این زحمتکشان خواستیم که درباره گرفتاری ها و مشکلات خودشان صحبت بکنند. آقای "شعبان یدالله تاج" یکی از رانندگان شروع به صحبت کرد و گفت: بسم الله الرحمن الرحیم. مسئله گرفتاری ما این است که از زمان پیش از انقلاب که زمان طاغوت بود ما در هر شرکتی که کار می کردیم سه ماه و ۱۰ روز که به قانونی می رسید ما را اخراج می کردند. بخاطر اینکه تا از دفترچه بیمه یا حق مزایای قانونی صحبت می کردیم ما را از کارگاه بیرون می کردند و دوباره باید عیال می شدیم یا سه ماه یا ۶ ماه یا ۴ ماه جلو قهوهخانه تا یک کار دیگری پیدا کنیم که آنهم بهمان صورت بود. بعد که انقلاب شروع شد، از انقلاب به این ور، ما بیکار هستیم. سندیگای تشکیل دادیم به نام "سندیگای دستگاه سنگین". هیئت ۵ نفره درست کردیم و در خیابان سپه دفتر سندیگا بوجود آوردیم. که البته هیچکدامشان نیامدند. البته همه ما نه، حدود ۱۰۰ - ۱۵۰ نفر اقدامی به کار ما نکردند. دوباره به صورت اولی درآمدیم و سندیگا ول شد. بطور کلی از راننده غلطک گرفته تا اسکرپر و گریدر... همه بیکاریم. ما از مقامات بالا خواهش داریم به کار ما رسیدگی کنند. "صفرالماسی" یکی دیگر از رانندگان توضیح داد که: "مقاطع کارهایی که الان کار دارند از موقعیت فعلی سوء استفاده می کنند. چون قبل از انقلاب که برای این مقاطع کارها کار می کردیم در مقابل ۱۰ ساعت کار حداقل حقوقمان ۶ هزار تومان بود و حد اکثرش ۱۲ هزار تومان. ولی حالا همین مقاطع کار اگر پیشنهاد کار کنند در مقابل ۸ ساعت می گوید ۳ هزار تومان حقوق از قبیل شرکت کردند

خرده سال و محصل. از اول انقلاب تا بحال بیکار هستیم. روز عیدی که همه برای بچه ها شون لباس خریدند و عیدی خریدند ما نتوانستیم یک کیلو میوه برای بچه های خودمان بخریم. من خودم شکایت به امام و تمام مقامات بالا دادم. هیچگونه جوابی به ما ندادند. هرکس جوابی به ما داد فقط جواب سر بالا بود. ما الان حدود ۲ سال است بیکاریم. یک دوست خودمان برای بچه های مارحم کرده دوماه من برده برای کاروری یک دستگاه کوچک تا بتوانم کمی از خرج زن و بچه هام رانامین بکنم... ما از جمهوری اسلامی می خواهیم تکلیف ما را روشن بسازد.

جهاد سازندگی برای کارکنان راهسازی کاری نکرده

در پاسخ به این سؤال که: "پس جاده های فعلی را که می سازند، چه کسی مسئول ساختن آنهاست؟" گفتند که "جهاد سازندگی". آنها معتقد بودند که ۳۰ درصد کارها راه افتاده ولی در مقابل ۷۰ درصد صدمانده که باید فکری برای آن کرد. یکی از رانندگان می گفت: "جهاد سازندگی کارش را به نحو احسن انجام داده. ولی برای کارکنان راه سازی کاری نکرده... درجهاد سازندگی برای کسی کار ایجاد کردند که ماشین آلات دارد... به بقیه حرفهای آنها گوش بدهیم:

از آنها در مورد رابطه کارشان با جهاد سازندگی پرسیدیم. یکی از رانندگان گفت: "ما بعد از اینکه بیکار شدیم به جهاد سازندگی رجوع کردیم و آنها هم آدرس و پلاک ما را گرفتند و گفتند ما خودمان می آئیم به سراغتان... ولی نیامدند. یکی دیگر از رانندگان میگوید "گرفتاری راننده های راه سازی همین جهاد سازندگی است. دلیل این است که جهاد سازندگی کلیه ماشین آلات راه سازی آنها را که یک یا دو یا سه دستگاه دارند می برد سرکار. اینهایی که راننده

یک کارگر سابقه دار راه سازی مطابق یک مهندس می تواند برای دولت کار بکند

از آنها پرسیدیم: "کدام ماشین هایی که قبل از انقلاب راه سازی میکردند الان درست کیست؟ یکی از رانندگان جواب داد: "این ها ماشین هایی بودند که شرکت ها داشتند. یک عده شان راهمین جوری خوابانده اند و کاری ندارند. یک عده شان هم سهل انگاری می کنند کاری نمی کنند. حتی بخاطر کارکنی یک عده سعی می کنند کارگران را بیرون کنند. برای اینکه گرفتاری ایجاد کنند برای کارگر. سعی میکنند اینها را بیرون کنند که بروند داد بکنند، گرفتاری پیش بیاورند. آن هایی هم که صادره شده معلوم نیست دست کیست و کی روی اینها کار می کند... جهاد سازندگی گرفتاری های ما را که رانندگان لودر، گریدر، و... هستیم که چیزی از خودمان نداریم فقط می خواهیم کار کنیم، بیشتر کرد. دلیلش این است که ما ماشین آلاتی نداریم که به جهاد سازندگی بدهیم و مشغول کار شویم... اگر جهاد سازندگی بخواند

چکار بکنند. آنها می گویند. راههای ندارند در خیابان می خوابند. راههای مملکت را چه کسی ساخته؟ همین راننده های راه سازی! که الان بیکارند. تکلیف اینها را باید روشن بکنند نه تکلیف کسی که ۱۰ عدد دستگاه دارد و داده جهاد سازندگی و خودش هم در بالا نشسته و بهترین پول را میگیرد و این راننده که هیچ چیز ندارد و به شام شیش محتاج است و از اول انقلاب بیکار است..."

ما صدقه نمی خواهیم کار می خواهیم

از آنها پرسیدیم که: از وام بیکاری که دولت بعد از انقلاب به بیکاران داده است استفاده کرده اند یا خیر؟ جواب رانندگان زحمتکش این بود: "ما صدقه نمی خواهیم! آنها می گفتند: "وام درد ما را دو نمی کند. ما وام نمی خواهیم، کار می خواهیم. می خواهیم فداکاری کنیم برای مملکت. عاقله مان را هم اداره بکنیم. دولت بجای وام دادن کار ایجاد بکنند برویم دنبال کارمان کار بکنیم و در مقابل کار پول بگیریم... کارگران از سوء استفاده ها و حیث و میل هایی که عده ای فرصت طلب از وامها کرده اند و بجای آنکه آنرا بین بیکارهای مستضعف تقسیم بکنند بین خودشان تقسیم کرده اند... حرف زدند.

سؤال کردیم که "آیا در مدتی که بیکار بودید دنبال کار دیگری رفته اید یا خیر؟" یکی از کارگران جواب داد: "کار دیگه؟ یعنی بروم سیگار فروشی بکنم؟ یا بروم چرخ بگذارم میوه فروشی بکنم؟ کار من شغلی که از بچگی یاد گرفتم... کار دیگه ای بلد نیستم..."

یکی از کارگران گفت: "انقلاب که شد از کار بیکارم کردند. رفتم اداره کار حقم را بگیرم... گفتند رضایت بده... جلوی چشم خودم رشوه گرفت... یکی دیگر از کارگران حرف او را تأیید کرد و گفت: "من هم شاهد بودم. از آنها حق و حساب گرفت."

آن سه ماه را ۱۲ درصد بیمه کم می کردند و ۱۰ درصد مالیات و هر کدام از ۸۰۰ تا ۱۵۰۰ تومان بیمه و مالیات می برداختیم. البته همه را در لیست نمی نوشتند. یعنی دو تا لیست می نوشتند یکی کم و یکی مقدار واقعی، و آن لیست کم را به دولت می دادند. "شعبان یدالله تاج" اضافه کرد: "من ۲۲ ساله که راننده گریدر هستم، ۵ سال هم راننده غلطک بودم دفترچه دارم. ولی الان هیچگونه اعتباری ندارد و هرجا می برم مهر اعتبار نمی زنند."

رفتم حقم را بگیرم آدمهای کارفرما دندانم را شکستند

یکی از رانندگان به نام "بیوک (علی) مرادی" در مورد اخراج خود و اجاقاتی که از طرف کارفرما به او شده و بی توجهی اداره کار حرف زد. او گفت: "من برای عجم عامری کار می کردم. بعد از ۲ سال، انقلاب که شد از کار بیکارم کرد. رفتم اداره کار حقم را بگیرم، ۶ ماه دنبال شکایت نمودم. بعد از ۶ ماه گفت بیا برو سرکار ولی هیچی بهم نداد. رفتم قرارداد بنویسد برای من و حقوقم را اضافه کنید و بیمه ام کنید. از دستم گرفت انداخت بیرون الان کس دیگری رفتم جای من. اعتراض کردم. ریختند روی من کتکم زدند. حسابداری زد توی دندانم هنوز دندانم لقمه... بعد از انقلاب فقط ۶ ماه کار کردم... من ۸ نفر را نان می دهم..."

برای گرفتن کار در «خانه کارگر» اسم نوشتیم ولی هنوز خبری نشده

از سندیگا که پرسیدیم کارگران اظهار ناخشنودی می کردند. آقای

بدهند که به اسم کمک راننده موراننده باشد نه سندیگا که بعداً به اسم آقای فخار در بیاید... شعبان یدالله تاج هم گفت: "هدف ما این است که کار بکنیم که زن و بچه خودمان انگل جامعه نشویم. نه دزدیم، نه سارقیم، نه ضدانقلاب. ما فقط کار می خواهیم."

بدون ما مملکت چطوری جاده اش را می کشد

از آنها پرسیدیم که به نظر شما دولت چگونه باید مسئله این بیکاران را حل کند؟ "صفرالماسی" گفت: "دولت اگر بخواهد چرخهای خوابنده را به حرکت درآورد. من شرکتی می شناسم مثلاً "شرکت طوفان" که در آن حداقل ۱۰۰ دستگاه سنگین خوابنده. از این شرکتها زیاد است. اولاً "سابقه کارگر در نظر گرفته شود و حقوقش بطور کامل داده شود. در این مملکت این کوههایی که بریده شده و آمده پائین، چه کسی این کار را کرده؟ ما کارگرهای جاده سازی مثبت ترین کارگرها هستیم یعنی بدون ما مملکت چطوری جاده اش را می کشد؟ این دستگاههایی که خوابنده. دولت خودش در دست بگیرد نه اینکه بدهد دست سرمایه دار این کار صحتی نیست. دولت خودش از ما بخواهد. یک مهندس می دهند به مهندس هم بدهند. یک سرمایه دار بیاورد که از ۱۰۰ میلیون تومان ۳۰ میلیون تومان خرج کند و ۷۰ میلیون تومان را ببرد اروپا خرج بکند. مثل رحیم علی خرم رئیس سابق شرکت من که ۱۴ ساعت از ما کار می کشید و حقوق ۸ ساعت را می داد. این دستگاهها را به حرکت بیندازد و کار جریان پیدا کند... من از بهمن ۵۷ بیکارم. ماشین آلات راه سازی که صادره کرده اند به کار نینداخته اند. باید راننده های راهسازی را جمع کنند. سابقه شان را بررسی کنند و ماشین هارا تقسیم کنند بین کسانی که به نحو احسن روی آنها کار بکنند نه بدست کسانی که دیگری کار بکنند و این یکی بالایی بنشیند و خون ما را بمکد..."

«حسن نیت» روسها:

افزایش نیروی نظامی در افغانستان

با آنکه بیشتر از ده روز از اعلام خروج بخشی از سربازان شوروی از خاک افغانستان نمی گذرد، ولی همین مدت کافی بود تا ماهیست تبلیغات مزورانه شوروی رو شود و دم خروس از زیر قبای آقای برژنف بیرون زند.

همزمان باتشکیل کمیته دائم کنفرانس وزرای خارجه کشورهای اسلامی در مورد حل بحران افغانستان در ژنو و دراستانه تشکیل نشست سران کشورهای صنعتی غرب در ونیز، ما شاهد تبلیغات گسترده بنگاههای تبلیغاتی و عمال روسیه در سراسر جهان مبنی بر خروج نیروهای شوروی از افغانستان بودیم. ما همان زمان در "رنجبر" آوردیم که هدف از این جارو جنجال، دامن زدن به افکار مداراچوئی نسبت به تجاوز شوروی در افغانستان و ایجاد شکاف در درون جبهه کشورهای اروپایی بوده و حیل و تزویری بیش نمی باشد. (رجوع

شود به رنجبر ۳ تیرماه - مقاله "روسیه دروغ می گوید") .

واقعیات در چند روز گذشته روشن تر شده است. اخباری که خبرگزاری های جهان درج کرده اند، خروج بخشی از نیروهای نظامی شوروی را در واقع جایجایی نیروها دانسته اند و نه خروج صرف و یکطرفه بخشی از ارتش شوروی.

در عین حال متخصصین نظامی آمریکا که خود تجربه سالها جنگ تجاوزکارانه در ویتنام و هندوچین را دارند اعلام کرده اند که شوروی تعدادی تانک، یک تا سه موشک زمین به زمین، چندین خود روی نظامی، موشک های ضد هوایی و اسلحه های سنگین بانضمام ۵ هزار سرباز که بخشی از آن وابسته به تجهیزات فوق می باشد از افغانستان بیرون برده اند.

اما امپریالیسم شوروی در

رویدادهای جهان



مقابل، نیروی پیاده نظام تازه نفس و اسلحه های سبک وارد افغانستان کرده است. طبق اخبار خبرگزاری ها واحد های پیاده در حد تیپ و گردان بوسیله هواپیماهای روسی و کامیون های نو وارد مرزهای شمالی افغانستان شده اند. در هفته گذشته چندین هواپیمای حمل و نقل نفرات مدل آنتونف ۱۲ و آنتونف ۲۲ در فرودگاه کابل بزمین نشستند و مهمات و سرباز پیاده کردند. و دیگر آنکه حتی آن بخش از نیروهایی که با دعای شوروی از افغانستان خارج شده اند، از افغانستان خارج نشده و در مرز ترکمنستان و افغانستان مستقر شده اند، ترکیب نیروهایی که از افغانستان خارج شده اند و آن نیرو هایی که بتازگی وارد شده اند در تطابق کامل با تغییرات تاکتیکی ای می باشد که روسها در جبهه نبرد بوجود آورده اند. روسها در اولین تهاجم و تجاوز خود در بهمن ماه از تجهیزات سنگین مانند تسوپ، تانک و موشک و غیره استفاده نمودند؛ مشابه تسلیحاتی که در اروپای شرقی مستقر ساخته اند. ولی پس از چند ماه شکست پی در پی توسط شبخون

های مجاهدین به قابل استفاده نبودن این نوع تجهیزات در کوههای افغانستان پی برده و در جایگزینی آن از بمباران هوایی، هلیکوپترهای جنگنده و پیاده نظام استفاده میکنند. خروج بخش کوچکی از ارتش شوروی در واقع در پاسخگویی باین تغییر تاکتیک بوده است و نه "حسن نیت" تزارهای کرملین نشین و آنطور که دارو دسته مزدور و فاشیست کیانوری ادعای کند.

"حسن نیت" امپریالیسم شوروی، سرکوب بازم بیشتر خلقهای افغانستان بمنظور حفظ سلطه و سیطره خود در این کشور می باشد. و مطمئنا به نیروی خود در افغانستان خواهند افزود. آرزوی تزارهای نوین رسیدن به آبهای گرم خلیج فارس و کنترل شریان حیاتی نفت بهاروپا می باشد. روسها با هدف بیرون رفتن از افغانستان آنجا را اشغال نکردند. آنها قصد ماندن را دارند و فقط جبهه متحد خلقهای افغانستان با جنگ توده های ویشتیبانی بین المللی نیروهای مترقی جهان است که متجاوزین روسی را از سرزمین افغانستان بیرون می کند.

رویدادهای اقتصادی

با اینکه آجر زیاد است قیمتش

ارزان نیست

مدتی است که عرضه آجر بیش از حد فزونی گرفته ولی نه تنها قیمت آن کاهش نیافته بلکه بتصویب دولت قرار است قیمت آجر در هر تن ۳۰۰ ریال افزایش یابد. در حال حاضر کوره های آجری تهران روزانه ۱۲ میلیون قالب آجرفشاری تولید میکنند. ولی مصرف تهران فعلا روزی ۱۰ میلیون قالب بیشتر نیست. این میزان تولید، در شرایطی است که کوره ها ظرفیت بازم بیشتری برای تولید دارند.

بعلت شدت گرفتن فعالیتهای ساختمانی در تهران مدت زیادی تهران با کمبود آجر و دیگر مصالح ساختمانی روبرو بود. البته بسیاری از مصالح ساختمانی از جمله سیمان هنوز هم کمیاب است. ولی این رونق ساختمان سازی سبب شده که بسیاری از کوره های آجری شهرستانها تولیدات خود را به بازار تهران عرضه کنند. حمل آجر از شهرستانها به تهران هنوز هم ادامه دارد ولی به سبب سیستم غلط توزیع و باز بودن دست عمده فروشان بزرگ و سودجو، قیمتها حتی افزایش هم می یابد که البته این امر نمیتواند مدت زیادی طول بکشد و بالاخره قوانین عینی بازار، قیمتها را بشکل مناسبی به بازارها تحمیل خواهد کرد.

آجریزی یکی از مهمترین رشته های تولید ملی است، که دهها هزار کارگر و صدها سرمایه دار ملی را بکار گرفته است. بسیاری از محصولات سنتی که در کوره ها ساخته میشوند چنین وضعی دارند. پس از سقوط رژیم شاه و فراهم شدن بسیاری از زمینه ها برای گسترش فعالیتهای اقتصادی، خارج از کنترل بوروکراسی دولتی، کشور ما شاهد رشد چشمگیر نیروهای مولده در تعداد زیادی از رشته های گوناگون اقتصادی، از جمله کشاورزی و تولیدات صنعتی ملی مانند آجر پزی و صابون پزی و بود. بیش حرکت سرمایه بطرف یک چنین تولیداتی، که با تکنولوژی ساده ای قاهر است بار نسبتا سنگینی ازدوش اقتصاد ملی ما بردارد، بازم سریعتر خواهد شد. تولید مصالح ساختمانی، از جمله رشته هایی است که زمینه های مساعدی برای گسترش دارد.

دولت وظیفه دارد حداکثر تسهیلات رادزمینه های مختلف برای این قبیل رشته های تولیدی، که سرمایه های فراوان و نیروی کار عظیمی را جذب خواهد کرد و خواه ناخواه در جهت شکوفایی اقتصاد ملی حرکت میکند فراهم نماید.

گسترش سرمایه گذاری ها در این قبیل رشته ها علاوه بر اینکه کمک زیادی به تولید کالاهای ضروری میکند، در عین حال سبب افزایش عرضه و در نتیجه کاهش و تعدیل قیمتها خواهد شد. ضمنا وقتی که تولیدات در این رشته ها توسعه یابد، به طور تجبری عوامل و حلقه های دیگری از اقتصاد ملی ما را در زمینه های مختلف که در ارتباط با مسکن و ساختمان سازی هستند به حرکت در خواهد آورد.

بازار مشترک آفریقائی، گامی علیه امپریالیسم

کشورهای عضو سازمان وحدت آفریقا در اولین اجلاس اقتصادیشان که چندی پیش در لاگوس پایتخت نیجریه برگزار شد، تصمیم به تدوین و اجرای یک برنامه اقتصادی به نام "برنامه عملی لاگوس" گرفتند. این طرح که به تصویب

دهه خلع سلاح یا دهه تشدید رقابت تسلیحاتی!

تسلیحات نتیجه میگیرد که جهان در سال ۱۹۸۰ بیک دوره خطرناک وارد شده است.

تنها با نظری اجمالی به ارقام آورده شده در سالنامه میتوان بوضوح به مسابقه سرسام آور تسلیحاتی و تدارک جنگی دو ابر قدرت آمریکا و روسیه پی برد. برخلاف جارو جنجالها و گردو خاک کردنهای دو ابر قدرت درباره باصطلاح صلح "خلع سلاح" و "محدود کردن سلاحهای استراتژیکی" زرادخانه های این دو ابر قدرت روز بروز ملو از سلاحهای بیشتر و مدرن تری میشوند. بنجاه سال پیش نیز هیتر دربار "صلح" و "خلع سلاح" حنجره پاره میگردد، اما هر قدر او بیشتر درباره "صلح" داد سخن میگفت بهمان اندازه نیز به تولید سلاحهای جنگی خود می افزود.



سربازان شوروی در حال مانور نظامی

موشک قاره پیمای پرشینگ ۲

جمعا ۱۶۹۷ ماهواره نظامی به فضا پرتاب شده است که ۷۵ درصد آنها به دوا بر قدرت تعلق دارند. براساس همین گزارش آمریکا ۹۴ ماهواره و روسیه ۸۴ ماهواره در

ناتو و ورشو می باشد. زرادخانه های هسته ای جهان در حال حاضر دارای ۶۰ هزار سلاحهای هسته ای است. سالنامه اضافه میکند که "با استقرار سلاحهای اتی در اروپا

سازمان ملل متحد سال ۱۹۶۹ را "اولین دهه خلع سلاح" اعلام کرد اما ارقام و آمار بیانگر روند دیگری است. سالنامه افزایش جنگی و خلع سلاح که توسط موسسه بین المللی تحقیقات برای صلح چاپ میشود بخشی از تولید ابزارهای جنگی و مخارج نظامی کشورهای مختلف بویژه دوا بر قدرت را درج کرده است.

در این سالنامه آمده است "تشنجات موجود بین المللی در حال افزایش است" و سپس ادامه میدهد "دخالت در امور داخلی کشورهای دیگر نظیر افغانستان، نمایشات قدرت نظامی و تهدید در بکار بردن زور مثل اقیانوس هند، برخوردهای حاد روز افزون در مناطق زیادی از جهان نظیر خاور میانه صلح جهان را بخطر انداخته است. باتوجه به چنین جریاناتی و تولید سرسام آور

سلاحهای جنگی در جهان هیچ گونه
امیدی برای خلع سلاح وجود ندارد"
بر اساس آمار این سالنامه
هزینه جنگی دنیا در سال ۱۹۸۰ در
حدود ناصد میابارد دلار است که
۷۰٪ آن متعلق به پیمانهای نظامی



بنابگزارش مجاهدین افغانی
در روستای دادم از توابع هرات ۱۸
نفر از حزب مزدور "خلق" بدست
سازین کشته شده و مقداری سلاح
بدست مجاهدین افتاد. استان هرات
و حومه هم اکنون در دست مجاهدین
است و روسها تنها با تانک و هلی
کوپتر قادرند رفت و آمد کنند.
بر اساس گزارشات دیگر چندین
نفر از افسران اشغالگر روس هنگام
خواب کردن خانه یکی از اهالی
هرات توسط یک سرباز افغانی کشته
شده اند.

روسیها در شهرها تکیه میکنند
رفت و آمد کنند دست به سرقت و
غارت اموال مردم زده اند.

خبرگزاریها از اسلو، نروژ گزارش میدهند که در گروه بیست تائی از
کشتی های نیروی دریائی شوروی در بانجام رساندن یک مانور دریائی بطرف
بخش مرکزی دریای نروژ در حال حرکتند. مانوراز یک گروه مرکب از چهار ریسا
پنج کشتی جنگی از جمله ناو هلی کوپتر بر لنین گراد از مدیترانه و گروهی دیگر
که شامل حدود پانزده ناو از ناوگان شمالی شوروی می باشد تشکیل شده است.
گروه دوم شامل رزمناو، ناوشکن، کشتی های حمل و نقل و ناو هواپیمابر "کیف"
می باشد.

مجلس نمایندگان آمریکا روز جمعه گذشته بودجه ویژه ۴/۸ میلیارد
دلاری تسلیحات نظامی را تصویب نمود. در مفاد این بودجه ۳/۱ میلیارد
دلار برای مخارج اولیه تهیه گازهای سمی که بر روی اعصاب اثر می گذارد در
نظر گرفته شده است. مخارج کل ۲۲/۱ میلیون دلار می باشد. طبق گفته یکی از
نمایندگان مجلس تصویب چنین بودجه ای در مقابله با گازهای شیمیائی شوروی
انجام گرفته است.

روسیها با این پیمانها چه چیزی عایدشان میشود؟

مدتی است که همسایه شمالی
ماروسیه موافق به عقد قراردادهای
اقتصادی در زمینه های مختلف با
ایران شده است آنها میخواهند از
یک طرف دخالت شوروی در
افغانستان بدون هیچ عکس العملی از
طرف ما باشد تا بتوانند مقاصد سیاسی
خود را پیش ببرند و از طرف دیگر
بتوانند نفوذ اقتصادی خود را در
ایران بسط و گسترش دهند.

با این که در کنفرانس های حل
بحران افغانستان ایران پشتیبانی
خود را از خلق افغانستان اعلام
کرده و عمل تجاوز کارانه شوروی را
محکوم نموده، روسیه با این قرارداد

ها از امتیاز خوبی برخوردار شده
است. آنها فکر میکنند که ایران در
برابر ورود نظامیان شوروی ساکت
خواهد نشست چون مادر برابر
مشکلات فراوان قرار گرفته ایم و او
میتواند منافع سیاسی خود را به ما
تحمیل کند و مانع حمایت ایران از
مبارزین افغانستان بشود.
به هر حال من فکر میکنم قرار
دادهای بسته شده در آن سطح
نیست که بنفع استقلال ایران باشد
ما باید به هر طریقی شده روابط خود
را با دوا بر قدرت آمریکا و شوروی
خیلی خیلی کاهش دهیم، چون
امکان رفع احتیاجات از جهان سوم و
کشورهای جهان دوم که برای

علاوه بر این ماهواره های کشیده نیز
که قادرند ماهواره های دیگر را از بین
ببرند از طرف دوا بر قدرت ساخته
شده اند. سالنامه با برشمردن تعداد
سلاحهای مدرن و تشدید مسابقه
و اینبار دو ابر قدرت سلطه طلب
آمریکا و روسیه در پشت نقاب "خلع
سلاح" و "تشنج زدائی" به تشدید
سلاحهای مرگبار خود ادامه میدهند.
و بیچشم مردم دنیا خاک می پاشند.

بمنظور کاهش وابستگی به راههای حمل و نقل کشور آفریقای جنوبی،
سران چهار کشور آمریکا، ژنرال، زیمبابوه و موزامبیک در ایالت "شایا" واقع در
زئیرگرد هم آمدند تا در این مورد تصمیمات لازم گرفته و راههای عملی کردن این
برنامه را مورد بحث قرار دهند. روی کار آمدن دولت انقلابی زیمبابوه برهبری
رابرت موگابه به کشورهای زئیر و زامبیا امکان میدهد تا محصولات و منابع طبیعی
خود را از طریق بنادر "بیرا" و "مپوتو" در موزامبیک بخارج حمل کنند و واردات
خود را از طریق همین مسیر وارد کنند.

هواپیماهای میگ ساخت روسیه متعلق به ارتش اتیوپی در دروزموتوالی
شهرمرزی "دولو" واقع در غرب سومالی را مورد حمله قرار دادند. روز سه شنبه
سوم تیر در اثر بمباران شهر توسط میگ های روسی ده نفر کشته و ۶۰ نفر زخمی
شدند. روز چهارشنبه یک مدرسه ویران گردید که منجر به کشته شدن یک نفر
از اهالی وزخمی شدن یک نفر دیگر شد. در این ناحیه بیش از صدها هزار نفر
آواره از اهالی اوگادن که در اثر بمبارانهای هوائی ارتش اتیوپی از دهکده های
خود فرار کرده اند زندگی می کنند.

بنا به گزارش "حرکت اسلامی افغانستان" مجاهدین افغانی روز شنبه
گذشته در جاده بین "نیمروز" و "نادعلی" با نیروهای اشغالگر روس و ارتشش
ببرک بز دو خورد پرداختند که طی آن یک تانک و یک کامیون نفر برمنهدم
گردید. از طرف دیگر در حمله بیک نیروگاه مولد برق در ۷۰ کیلومتری کابل
تعدادی از سربازان روسی و افغانی بهلاکت رسیدند.

هلیکوپترهای اسرائیلی که بوسیله قایقهای جنگی پشتیبانی میشدند
روز دوشنبه به یک دهکده واقع در جنوب لبنان و درکناره دریای مدیترانه حمله
کردند. بدنبال این حمله یاسر عرفات رهبر سازمان آزادیبخش فلسطین اعلام
کرد که در این حمله وحشیانه ۱۱ نفر کشته شده اند که در میان کشته شدگان ۲ زن
و ۴ کودک وجود دارد. خبر دیگری حاکیست که شورای جهانی کلیساها اعلام
کرد که از حق خود مختاری فلسطینیها حمایت میکند و هرگونه تصمیم گیری یک
جانبه را مردود آید. شهر بیت المقدس از سوی اسرائیل رد می کند. این شورا
نماینده ۴۰۰ میلیون مسیحی غیر کاتولیک در سراسر جهان است.

رنجبر و خوانندگان

استقلال مملکت ما ایجاد خطر
نمیکند موجود است.
برنامه نشست و گفتگوهای
وزیران امور خارجه ایران و پاکستان
در پایان دادن به حل بحران
افغانستان بی نتیجه میماند و در سطح
جهان هم این کنفرانس نتیجه
مطلوبی بدست نمیدهد.
روابط ایران با روسیه هیچ
فرقی با اسرائیل رابطه داشتن ندارد
چون اسرائیل شب و روز با جنگ
افزارهای کوچک و بزرگ از زمین و
هوا به جان برادران مسلمان فلسطین
و لبنانی مآفتاده و به قتل و عام
مردم بی گناه دست میزند و در مقابل
آن شوروی هم با آن همه تانک و

هلیکوپترهای جنگی و هواپیما
افغانستان را بمباران میکند و برادران
مسلمان افغانی ما را از بین می برد و
مانع استقلال کشور مسلمان و همسایه
ما میشود. این تبلیغات یعنی خروج
نظامیان شوروی دروغ محض است
چون آنها شب و روز از طریق زمین و
هوا نظامیان تازه نفس خود را برای
سرکوب بیشتر وارد خاک کشور همسایه
مان میکنند و از طرف دیگر نظامیانی
را که در میدان جنگ بر اثر مبارزه
مردم افغان روحیه خود را از دست
داده اند خارج میکنند.

بابل - یکی از هواداران حزب
رنجبران
۵۹/۴/۸

۲۰۰۰ شامل میشود.
طرح لاگوس برای همکاری اقتصادی کشورهای آفریقای از این نظر در
خور اهمیت است که در یک برنامه دراز مدت ۲۰ ساله برای بخش مهمی از
کشورهای جهان سوم، یعنی کشورهای آفریقای امکان همکاری متقابل در اجرای
پروژه های مشترک اقتصادی را فراهم میکند. اجرای این طرح، میتواند به رشد
عوامل و زمینه های ملی در بازارهای منطقه ای کمک نموده و از این راه وحدت
استقلال طلبانه کشورهای آفریقای را فشرده تر سازد.

اولین مرحله این طرح شامل تقویت سازمانهای موجود اقتصادی و
توسعه گام به گام آنها و نیز توسعه تدریجی یک چنین سازمانهای منطقه ای است
که در مرکز، شرق، جنوب و شمال آفریقا قرار دارند. وظیفه این سازمانها تسریع
همکاری و وحدت کشورهای آفریقای در زمینه های کشاورزی، صنعت، انرژی،
حمل و نقل، و سایر ارتباط جمعی و نیروی انسانی است. اجرای این طرح پایه
عملی مناسبی برای ایجاد بازار مشترک آفریقا خواهد بود.

هدف مرحله دوم این طرح، ادغام هرچه بیشتر اقتصاد کشورهای
آفریقای از طریق اتخاذ سیاستها و برنامه هایی مشترک در کلیه زمینه ها است.
آفریقا، دهها سال است که منبع غارت مواد اولیه و ثروتهای طبیعی
برای استعمارگران و قدرتهای امپریالیستی بوده و هست. رشد و توسعه
جنبشهای رهایی بخش ملی، در این قاره بدلیل ستم روز افزون استعماری و نو
استعماری، بدون وقفه در راستای صعود و تکامل گام زده است. توسعه پیوندهای
اقتصادی میان کشورهای آفریقای، بی شک موجب تقویت اقتصاد ملی این
کشورها و در نتیجه حدت یافتن تضاد میان این کشورها و دول امپریالیستی
خواهد شد. تحکیم این پیوندها بی شک موجب سست شدن تدریجی بندهای
وابستگی آفریقا به سیستم جهانی امپریالیسم شده و بنوبه خود موجب تقویت
وحدت جهان سوم علیه امپریالیستها و بویژه دوا بر قدرت جهان خوار خواهد
گردید.

بدون دست یافتن به استقلال اقتصادی حفظ و تحکیم استقلال سیاسی
میسر نخواهد بود. برای همین است که پس از کسب قدرت سیاسی بوسیله
نیروهای ملی و غیر وابسته، وظیفه مبارزه برای کسب استقلال اقتصادی کاملاً
حیاتی است. ایجاد بازارهای مشترک منطقه ای در جهان سوم یکی از وسایل
مهم بریدن جهان سومیها از امپریالیستها و خصوصاً از دوا بر قدرت است.
کشور ما ایران نیز به همین منظور، باید سعی در گسترش روابط خود با
جهان سوم و مخصوصاً کشورهای منطقه بنماید. ایجاد بازار مشترک آسیایی و
یا بازار کشورهای اسلامی گامهایی در همین جهت است که ایران باید در ایجاد
آنها ابتکار عمل داشته باشد.

تورکیب واردات ایران در سال ۵۶

وزارت بازرگانی اخیراً گزارشی درباره واردات ایران از کشورهای
مختلف جهان در سال ۵۶ منتشر کرده و سهم کشورهای مختلف را بترتیب زیر بر
شمرده است:

کشورهای بازار مشترک	۴۲/۶٪
آمریکا	۱۶/۰۲٪
ژاپن	۱۵/۸۵٪
جهان سوم	۹/۶٪
شوروی و اروپای شرقی	۶٪
سایر کشورهای صنعتی	۳/۴۳٪

رنجبر

ارگان حزب رنجبران ایران

صاحب امتیاز و سردبیر: فرامرز وزیری
مدیر مسئول: علی حجت

تهان: خیابان انقلاب جنب سینما رویال
خیابان رامسر کوچه آراسته شماره ۱۷
تهان: پستی: تهران - صندوق پستی
۳۱۴ - ۱۴۰۱ منطقه پستی ۱۵
لنن ۸۲۰۶۹۱

از صفحه ۱

اتحاد بزرگ ملی یگانه راه مقابله با بحران کنونی است

ادامه پیروزمندانه آن نیز از "وحدت کلمه" جدانگیز است. باید کلید این رمز را در شرایط کنونی گشود و این کلید چیزی جز "اتحاد بزرگ ملی" نیست.

اتحاد بزرگ ملی آن خط مشی ای است که اتحاد وسیع ترین نیروهای ملی و مردمی را علیه دشمنان عمده انقلاب یعنی دو ابرقدرت جهانخواار آمریکا و شوروی تضمین میکند، آن خط مشی ای است که راه را بر هرگونه فرقه‌گرایی می بندد و مانع رشد تفرقه در درون خلق و مانع بهره‌برداری ابرقدرتها از این تفرقه میگردد. حال آنکه انحصار طلبی بهر شکل آن به جبهه متحد نیروهای ملی و مردمی علیه دشمنان انقلاب صدمه میزند و مانع پیشروی انقلاب به جلو می‌گردد.

اکنون همه مردم ما به وضوح می بینند که تفرقه در صفوف حاکمین یعنی کسانی که وظیفه سنگین و حساس رهبری جمهوری اسلامی را برعهده دارند منشاء اصلی نابسامانی های مملکت و مانع اصلی پیشروی انقلاب است. تفرقه است که باعث هرج و مرج اجتماعی و سیاسی و اقتصادی، باعث تعدد مراکز قدرت و مانع برقراری نظم انقلابی و استقرار حاکمیت دولت میشود. و همین هرج و مرج همه جانبه است که باعث عدم تضمین آزادی ها و اوج اعمال غیر قانونی و پایمال شدن حقوق زحمتکشان و رشد امراض متعدد اجتماعی و اقتصادی نظیر گرانی و تورم و غیره میگردد. همین هرج و مرج و عدم وحدت میان حاکمین است که باعث بی برنامه‌گی دولت و دست زدن به اقدامات عکس العملی در مسائل بسیار مهمی مانند آموزش و پرورش و فرهنگ و برونرکراسی اداری و غیره گردیده و بنوعی خود نارضائی توده‌ها را باعث میگردد.

بنابراین اگر بخواهیم منشاء همه دردهای جامعه و ضعف های حکومت را بیابیم، این منشاء باید در عدم اتحاد جستجو کنیم و پاسخ این درد را نیز باید در اتحاد بزرگ ملی بیابیم. زیرا در ساءله وحدت دو راه بیشتر موجود نیست: یا ما واقعا خواهان وحدتیم و یا واقعا خواهان وحدت نیستیم. منطقی است معروف که شتر سواری دولادولا نمی شود. یا وحدت درست است که در آن صورت باید بر مبنای وظائف اصلی کنونی انقلاب که توسط سه اصل خلق (دمکراسی، عدالت اجتماعی و به خصوص استقلال) تعیین میشود یا کلیه نیروهای هوادار این سه اصل و بخصوص هوادار استقلال از شرق و غرب متحد گردید. و یا وحدت درست نیست، که در آن صورت میتوان

ضدمردمی خود ("مردم") بطرز بی وقفه و وقیحانه‌ای شعار اساسی انقلاب اسلامی ایران یعنی شعار "نه شرقی، نه غربی" را بیاد حمله و ناسرا گرفته و آنرا ساخته ارتجاع پهلوی میداند و حتی صراحتاً تز دو ابرقدرت را یک تز ساخته آمریکا برجسب زده‌است. و با اینهمه، این دارودسته مزدور ابایی ندارد از این که خود را هوادار امام و خط امام نشان دهد و همه نیروهای را که به پیروی از امام و خط امام مخالف هر دو ابر قدرت - آمریکا و روسیه هستند، با برجسب "امریکایی" و "ساواکی" و غیره لجن مال کند.

چپ نماها و مسلمان نماها نیز که علیرغم ادعاهای کاذب خود در مخالفت با حزب توده و شوروی بدنبال اعمال روس روانند، همین مواضع را که ویسی علیه شعار "نه شرقی، نه غربی" اتخاذ کرده و این شعار و مدافعان آنرا نمایندگان امپریالیسم آمریکا قلمداد میکنند.

بدین ترتیب، دوجبهه کاملاً مخالف در مقابل هم صف آرایی کرده است که یکی جبهه استقلال طلبان مرکب از سه جریان است و دیگری جبهه انقیاد طلبان و دنباله روان چپ نمای آنها است که در راس آن عمال روس در ایران قرار دارند. اجزاء هر یک از این دوجبهه برغم جدایی تشکیلاتی، بیش از پیش هم بومیسوند و جبهه اتحاد بزرگ ملی با درخشش روز افزونی برپایه یک سلسله مواضع و نقطه نظرات مشترک، در اساسیترین مساله انقلاب شکل میگیرد.

یگانه چاره اساسی مشکلات

بنابراین بوضوح میبینیم که این جبهه اتحاد بزرگ ملی عملاً وجود دارد زیرا: اولاً، اجزاء آن در طول یک

منشاء اصلی همه مشکلات جامعه ما در عدم اتحاد است و پاسخ آن در اتحاد بزرگ ملی است یعنی اتحاد سه جریان تاریخی جامعه ما: اسلام مبارز، ملی‌گرایی مترقی و سوسیالیسم انقلابی. تکامل این سه جریان، علیرغم توطئه‌های دو ابرقدرت و عمالشان، و همسویی آنها در مبارزه برای استقلال نشاندهنده ضرورت اتحاد بزرگ ملی است.

تقویت نموده، براستحکام سیاسی و ایدئولوژیکی و حتی بر قوام تشکیلاتی آنها افزود.

۲- لکن حقانیت اتحاد بزرگ ملی تنها در این زمینه اثبات نگردد تجلی این حقانیت را در حرکت سیاسی و تکامل مواضع این سه جریان نیز می‌توان به وضوح مشاهده کرد. در این مدت یک سال ونیم که از پیروزی انقلاب می‌گذرد، ما شاهد همسویی هر چه بیشتر این سه جریان در مبارزه سیاسی علیه دشمنان انقلاب و برای تحقق اهداف آن بوده‌ایم.

انقلاب اسلامی با شعار "استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی" پیروز گردید و این شعار را اساس برنامه خود قرار داد. دو خواست استقلال و آزادی عصاره تمامه خواسته‌های دیرینه ملت ما و توده‌های زحمتکش خلق بودند و از این جهت هم بود که جمهوری اسلامی با پرچم استقلال و آزادی مورد استقبال و تأیید وسیع و ملیونی توده‌های مردم و کلیه نیروهای قرار گرفت که بامر ادامه انقلاب دلبسته‌اند یعنی سه جریان سیاسی جامعه ما.

حزب ما به سهم خود همواره بر روی سه اصل خلق یعنی استقلال، دمکراسی و عدالت اجتماعی بمتابسه مضمون برنامه مرحله کنونی انقلاب بافتاری کرده است. در عین حال، آنچه که همگان و بویژه کمونیستها بر آن مصر بوده‌اند، اولویت و اهمیت خاص مساله استقلال در مقایسه با دواصل دیگر است. لکن مساله استقلال در زمان ما بطرز فشرده‌ای با سلطه‌جویی و تجاوزگری دو ابرقدرت امپریالیستی -

لکن اسلام مبارز همچنین با دشمن ویژه‌ای نیز روبرو بوده و هست و آن روحانی نماها و مسلمان ناهایی است که در ارگان‌های مختلف قدرت رخنه کرده‌اند و می‌کوشند تا با دامن زدن به هرج و مرج، با انجسام عملیات ضد مردمی، با رواج انواع فساد، مردم ایران و جهان را نسبت به انقلاب و بخصوص نسبت به روحانیت بدبین کرده، حیثیت روحانیت را لکه‌دار نموده و ستون فقرات انقلاب اسلامی را که اسلام مبارز است بشکنند و بدین ترتیب به نقشه‌ها و اهداف ابرقدرت‌ها و عمالشان و ضد انقلاب داخلی و خارجی یاری رسانند. سخنان امام در روز ۴ تیرماه که شدیداً این عناصر را مورد حمله قرار داده و از کلیه طلبه‌ها و روحانیون مبارز واز کلیه مسلمانان مومن و معتقد رسماً اکیدا دعوت می‌نمود تا این گونه عناصر را بمتابسه ضد انقلاب ارضفوف خود برانند، موجد این واقعیت است. این امر نشان میدهد که در جدال میان اسلام مبارز به رهبری امام خمینی و اسلام دروغین و کاذب و وابسته به شرق و غرب، مرز میان این دو هر چه بیشتر روشن و مشخص شده است. و این مشخص تر شدن مرز بندی عامل سیاسی و ایدئولوژیکی مهمی است که در رشد و اعتلای اسلام مبارز نقشی اساسی ایفا می‌کند.

علیرغم تمامی فشارها و تضییقاتی که از جانب انحصار طلبان و سرسختان بر وی وارد آمد، هویت خود را حفظ نمود و همچنان به همپایی با انقلاب و رهبری انقلاب ادامه داد. بخش‌ها

حرکت‌های اعتراضی و جنبشهای مطالباتی محفانته آنان به توده‌های دردمند و نیازمند که از ظلم و جور صاحبان زو و زور و بوروکراتهای بازمانده از رژیم سابق بجان آمده بودند برجسب ضد انقلابی و اخلاک‌گر وارد آوردند و توده‌ها را از انقلاب بری ساخته و بدامان عوامل شرق و غرب و چپ نماها سوق دادند.

گروه‌های انحصار طلب همچنین در ارتباط با سوسیالیسم انقلابی و ملی‌گرایی مترقی و حتی اسلام مبارز بدترین نوع فرقه‌گرایی را اعمال کردند. خود را یگانه نماینده اسلام راستین معرفی کرده و بخشهای هر چه وسیعتری از اسلامی‌ها را به زیر آماج مبارزه بی‌امان خود گرفتند. نتیجه این اعمال و رفتار انحصار طلبان، و گروه‌های خودکامه، ایجاد هرج و مرج روزافزون و ناراضیاتی فرازینده در جامعه گردیده و از آن بدتر، یک نوع بدبینی مخرب را نسبت به اسلام مبارز، نسبت به روحانیت مترقی و انقلابی که نقش حساسی در جامعه کنونی ما برعهده دارد بوجود آورد. بدین ترتیب، رهبری انقلاب به میزان زیادی تضعیف گردید، از قوت حمایت توده‌های آن کاسته شد و قطب‌های متعدد قدرت بشدت رواج یافت. بدین ترتیب است که می -

بینیم عواملی که رمز پیروزی انقلاب اسلامی را تشکیل میدادند و می‌بایست در تکامل این انقلاب بسوی تحقق اهداف درازمدتش که همان تحقق استقلال و آزادی و عدالت اجتماعی است، نقش هر چه فعالتر بازی کنند، در اثر اخلاص عوامل داخلی (انحصار طلبی و قدرت طلبی در پوشش اسلام) رویه ضعف نهادند، ضعفی که عوامل خارجی (عمال و عناصر دو ابرقدرت و ضد انقلاب بازمانده از رژیم سابق) از آن به سود ضربه زدن به انقلاب و گسترش و رواج دادن سوموم نومیدی و ترلز در میان توده‌ها فعالانه بهره‌برداری کرده و میکنند.

اما اینها همه یک روی سکه است. روی دیگر سکه خط مشی و

میهن ما شرایط بحرانی و سختی را میگذراند. مشکلات میراث گذشته و مشکلات ناشی از سرو سامان نیافتن اوضاع سیاسی داخلی به صور مختلف از هرج و مرج همه‌جانبه در ستون سیاسی، اقتصادی، اجتماعی گرفته تا فشارگرانی و بیکاری که بر دوش توده های مردم سنگینی میکند، کشور را در وضعیتی بحرانی فرو برده‌است و نا رضایی‌های مردم را هر دم افزون‌تر میسازد. از سوی دیگر، ضد انقلاب در قالب عوامل بازمانده از رژیم سابق (ساواکی‌ها، عمال پس مانده سیا و ساواک و عناصر وفادار به رژیم سابق شده پهلوی) و عمال آشکار و پنهان دو ابرقدرت آمریکا و شوروی با سوء استفاده از این مشکلات علیه ملت و میهن توطئه میکنند. دو ابر قدرت آمریکا و شوروی نیز میکوشند تا از این اوضاع مغشوش بهره‌برداری کرده و ایران و جمهوری اسلامی و مقامات آنرا تحت انواع فشار، تهدید و ارباب قرار دهند و استقلال میهن را مقدم بقدم و بیا به یکباره مورد تجاوز قرار دهند.

در چنین شرایطی، در شرایطی که برای مقابله با این مشکلات، برای مقابله با توطئه‌های سیاسی و نظامی و تحریم اقتصادی امپریالیستها و بویژه دو ابرقدرت برای بازسازی مملکت و تحقق تدریجی امر مقدس خودکفایی اقتصادی، ملت ما بیش از هر زمانی محتاج و نیازمند به متحد شدن و آهنین شدن وحدت و یگانگی خود میباشد، ما با کمال تأسف و تالسم شاهد آن هستیم که این وحدت بیوسنه دچار ضعف و فتور میگردد و از همه سوبه آن ضریات کوچک و بزرگ وارد میاید و یاحتی بدتر از آن، اصل وحدت، وحدت بزرگ خلق و کلیه نیروهای ملی، نیز گهگاه مورد سؤال و تردید قرار میگیرد.

رمز پیروزی انقلاب اسلامی

ملت ما به تجربه دریافته که کوه مشکلات، هر چند عظیم باشد، چیزی نیست که اراده بولادین توده ها قادر به برکنندن آن نباشد، مشروط بر اینکه ملت بتواند یکپارچه و متحد تمامی نیرو و اراده خود را در جهت واحد، در جهت برکنندن کوه بزرگ مشکلات و درهم شکستن سدهای متعددی که ضد انقلاب ایجاد کرده و میکند و باز کردن یکایک گره‌های کور نابسامانی و هرج و مرج موجود بسبب

ملت ماکوای این حقیقت است و تاریخ نزدیک آن یعنی جریان تکامل و پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی به رهبری امام خمینی نیز نشاندهنده سبیل بنیان کن حرکت توده‌ها است که هیچ مانعی راپارای مقاومت در برابر آن نیست.

بدین سان بود که انقلاب اسلامی ایران بر رژیم مغفوریه‌سوی پیروز گردید. رمز این پیروزی همانطور که میدانیم در وحدت بزرگ خلق، در اتحاد بزرگ ملی سه جریان تاریخی جامعه ما (اسلام مبارز، ملی‌گرایان مترقی و سوسیالیسم انقلابی) و در رهبری قاطعانه امام خمینی نهفته بود. این کلید پیروزی همان عاملی بود که می‌بایست پس از پیروزی انقلاب نه تنها حفظ بلکه حتی بیشتر تحکیم میگردد، زیرا بر واضح بود که مشکلاتی که در برابر آدامسه انقلاب قرار داشت از مشکلاتی که مانع پیروزی میگردد وسیع‌تر و متعدد تر و سخت‌تر بود و لازم حل آنها وحدت بیشتر خلق و نیروهای سیاسی و مذهبی و استحکام بیشتر رهبری امام خمینی حول خواسته‌های اساسی انقلاب را میطلبید.

اما آیا در عمل، انقلاب ما این مسأله کلیدی رارعايت کرد؟ به نظر ما خیر، و تمام مشکلات از همین جانشی می‌شود. در عمل، آنچه که پس از پیروزی انقلاب ملت ما با آن مواجه گردید ظهور و رشد پدیده‌های ناسالم و مضر بود که مانند خوره بجان انقلاب و توده‌ها افتاد: انحصار طلبی، قدرت طلبی، گروه‌گرایی، فرقه‌بازی، عدم توجه به خواسته‌های توده‌ها در زمینه‌های مختلف عدالت اجتماعی... و دیگر امراضی از این قبیل، به امور رایج حیات سیاسی مملکت تبدیل گردیده، بخش‌های هرچه بیشتری از نیروهای ملی را از صحنه خارج ساخته و باعث رشد هر چه بیشتر تاراجی و سرخوردگی در میان توده‌ها گردیدند.

جناح‌های مختلف بجای اینکه برای تحقق شعارهای انقلاب اسلامی متحد شوند و توده‌ها را در این راه بسیج کنند، هر کدام به پیشبرد اهداف و مقاصد گروه‌گرایانه خود مشغول شدند و توده‌ها را به سیاهی لشکر جدال‌های خصوصی خود تبدیل کردند. و بدین ترتیب، تفرقه و تجزیه رادر صفوف متحدویگانه خلق شدیداً دامن زدند. آنها بجای پیروی از رهنمود های امام خمینی در حمایت از مستضعفین، بجای توجه به خواسته‌ها و دردهای عمیق توده‌ها و پاسخ گویی به مطالبات بحق آنها و پشتیبانی از

طلب باید برای جبران این خسارات و از بین بردن بحران کنونی و تضمین آینده انقلاب در پیش گیرند. این خط مشی کدامست؟ پاسخ به این سؤال روشن است. پاسخ به این سؤال را تجربه مبارزاتی خود مردم ما و درسهای پیروزی انقلاب اسلامی به ما میدهد. این خط مشی چیز دیگری نمی‌توانست باشد و نمی‌تواند باشد مگر خط مشی اتحاد بزرگ ملی، یعنی همان خط مشی ای که ضامن پیروزی انقلاب اسلامی گردید

تکامل سه جریان تاریخی

امروز سیر حوادث و روند تکامل انقلاب بیش از پیش حقایقیت "اتحاد بزرگ ملی" را اثبات نموده است. این حقایقیت در کدام زمینه‌ها متجلی است؟

(۱) در این مدت یکسال و نیمه که از پیروزی انقلاب می‌گذرد، واقعیت سه جریان، تشکیل دهنده اتحاد بزرگ ملی یعنی اسلام مبارز، ملی‌گرایان مترقی و سوسیالیسم انقلابی، بیش از پیش آشکار گردیده و موجودیت آنها بمثابة سه جریان عمده سیاسی جامعه ما بیش از پیش تثبیت شده است.

اسلام مبارز، علیرغم توطئه‌ها و تحریکات دشمنان این جریان بزرگ سیاسی و انقلابی جامعه ما، توانست نقش خود را در جامعه حفظ کرده و بر روی شعار "نه شرقی نه غربی" بیش از پیش ایستادگی نماید. اسلام مبارز مانند سایر جریان‌های سیاسی در درجه اول با دشمنان خارجی و عمال داخلی آنها روبرو بود. دوا بر قدرت آمریکا و شوروی و نیز پس مانده های رژیم سابق شده پهلوی نظیر اویسی‌ها و اختیارها در خارج از کشور و صد انقلاب داخلی (ساواکی‌ها و بقایای سرمایه‌داران و بوروکرات‌ها و زمین‌داران بزرگ و وابسته) برای لجن مال کردن اسلام مبارز توطئه می‌کنند و دستگاههای عریض و طویل تبلیغاتی را در این راه به خدمت گرفته‌اند. دستگاه‌های تبلیغاتی ابرقدرت شوروی و عمالش بخصوص باند کیانوری در حزب توده نیز، در زیر پوشش حمایت از امام خمینی و اسلام مبارز، با تمام قوا و بطرز مودیانه‌ای می‌کوشند خط "نه شرقی، نه غربی" انقلاب اسلامی و اسلام مبارز را زایل کرده و آن را به مجرای سازش با شوروی تجاوزگر بکشانند.

ایران به درستی تشخیص دادند که سرنوشت این جریان از سرنوشت اسلام مبارز جدا نبوده و نیست، و با تکیه بر سوابق تاریخی مبارزه مشترک این دو جریان، بر روی پیوند و عجن بودن ملی‌گرایی مترقی و اسلام مبارز پای فشردند و در خط استقلال از دوا بر قدرت و عمال رنگارنگ آنها همچنان پایدار و به آرمان‌های عمومی انقلاب اسلامی ورهبر انقلاب وفادار ماندند.

سوسیالیسم انقلابی در این مدت یک سال و نیم قدمی بزرگ به پیش برداشت و با ایجاد حزب رنجبران ایران که نماینده راستین سوسیالیسم انقلابی و دربر گیرنده کمونیست‌های راستین هوادار انقلاب است، پیروزی تاریخی مهمی بدست آورد.

وحدت چندین گروه و سازمان کمونیستی و ایجاد حزب رنجبران ایران نشاندهنده حقایقیت این جریان تاریخی و اعتقاد آنها به منافع والای توده‌ها و انقلاب است، اعتقادی که باعث می‌گردد گروه‌های متعددی اختلافات جزئی خود را کنار گذارده برای خدمت به امر انقلاب و توده‌ها متحد شوند. درست به همین دلیل است که حزب ما دائماً مورد توطئه‌های پنهان و آشکار دارو دسته کیانوری در حزب توده، این عمال سرسپرده ابر قدرت روس قرار دارد و در عین حال از جانب جیب‌نماهای رنگارنگ که پیش از پیش به همدستی با عمال روس کشانده می‌شوند، مورد حمله قرار می‌گیرد. لکن این توطئه‌ها و حملات تنها نشاندهنده یک چیز است و آن اینکه مرز میان سوسیالیسم انقلابی با "سوسیالیسم فاشیستی کیانوری و شرکاء" از سویی و با "سوسیالیسم کاذب جیب نماها" از سوی دیگر روشن و مشخص ترسیم شده است و این دستاورد بزرگی نه تنها برای جنبش کمونیستی که برای کل جنبش انقلابی ورهایی بخش میهن ما و برای پیشرفت اتحاد بزرگ ملی است.

همسویی سیاسی سه جریان

بنابر این، همانطور که در آغاز گفتیم، سیر حوادث و رویدادها علیرغم توطئه‌های ابرقدرت‌ها و عمالشان، علیرغم اختلال انحصار طلبان و قدرت طلبان، نه تنها باعث تضعیف سه جریان تشکیل دهنده اتحاد بزرگ ملی نگردید بلکه آنها را

خورده‌است. به همین خاطر، انقلاب اسلامی ایران ورهبر آن امام خمینی از همان آغاز شعار "استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی" را با شعار "نه شرقی، نه غربی جمهوری اسلامی" توأم نمودند.

بررسی تکامل مبارزه سیاسی سه جریان نشان میدهد که درست در همین مهمترین زمینه مبارزه انقلابی است که این سه جریان بیش از پیش همسوهنگام شده‌اند و در مسائل مهم ملی و بین‌المللی عملاً صف واحدی را تشکیل داده‌اند. در این مدت، سه جریان سیاسی موفق شده‌اند که در دیدند علیرغم بخرنجی اوضاع، سگان "نه شرقی، نه غربی" کشتی انقلاب را در دستار خود حفظ کرده و هر دم آنرا محکمتر بگیرند. این استواری حتی در بحبوحه مقابله سخت با امپریالیسم آمریکا پس از حادثه گروگانگیری و اشغال لانه جاسوسی نیز دیده شد، یعنی زمانی که عمال وابسته به شوروی به عیب می‌پنداشتند که با استفاده از تمرکز مبارزه مردم ما علیه آمریکا خواهند توانست انقلاب را به مجرای سازش با شوروی منحرف کنند، انقلاب اسلامی ورهبری آن همچنان برجم "نه شرقی نه غربی" رابرافراشته نگاه داشتند و امام و خمینی مفهوم مهم استراتژیکی "غرب جانیکار و شرق تجاوزگر" را ارائه داد.

همچنین در ارتباط با اشغال افغانستان توسط ارتش تجاوزگر روس و پیامدهای آن، هیچیک از حمله و تهمیدات ابرقدرت روس قضا در نگردید هیچکدام از سه جریان سیاسی جامعه ما رافریز داده، از پشتیبانی خلق افغانستان منحرف ساخته و با حرکتی همسو و گاه حتی با مواضعی بسیار نزدیک در جهت اهداف، انقلاب به پیش رفتند. همین امر باعث گردید تا عمال روس و دارودسته کیانوری، که اتحاد بزرگ ملی را بزرگترین سد راه توطئه‌های ضدانقلابی و امپریالیستی خود میدانند، بطرز مودیانه‌ای نیروهای استقلال طلب را آماج حملات و موضوع کارزار زهرآگین خود نمایند. آنها ظاهراً "ماتوئیست" ها و حزب ما را بخاطر مواضع استقلال طلبانه خود علیه ابرقدرت روس مورد حمله قرار داده‌اند، لکن در حقیقت به تمامی معیارها و مواضع اصیل و راستین استقلال طلبانه جامعه ما که نه تنها از جانب سوسیالیسم انقلابی بلکه همچنین از جانب ملی‌گرایی مترقی و بخصوص اسلام مبارز نمایندگی میشود تاخند و می‌تازند.

بعنوان مثال دارودسته کیانوری در این مدت در ننگین نامه

میکردند پیوسته رشد و تکامل یافته و علیرغم تمام توطئه‌ها و تحریکات دشمنان انقلاب و اختلال عوامل وحدت شکن، پابرجا مانده‌اند و محور و زایل نشده‌اند، یعنی که هر کدام از اصالت خاص خود برخوردار بوده‌اند. ثانیاً اجزاء آن، یعنی سه جریان سیاسی، علیرغم جدایی تشکیلاتی در اساسیترین مسائل انقلاب و مبارزه ضد امپریالیستی بیش از پیش همسو بوده‌اند. و در برابر انقیاد طلبان صف واحدی را تشکیل داده‌اند.

بر این عوامل البته میتوان عامل تاریخی را اضافه کرد و نشان داد که چگونه در طی یک قرن مبارزه ضد استعماری ملت ما، این سه جریان بزرگ سیاسی جامعه همواره فعال بوده‌اند و هرگاه که اتحاد آنها عملی شده جنبش نیز با موفقیت روبرو شده و هرگاه که این اتحاد خرد شده شکست جنبش رانیز بهمراه آورده است.

بر این عوامل همچنین میتوان عامل طبقاتی را نیز افزود و نشان داد که این سه جریان سیاسی نمایندگان طبقات مختلف خلفی و ضد امپریالیستی جامعه هستند که تازمانی که امپریالیسم سلطه خود را بر میهن ما بنحوی از انجا حفظ کرده است، در برابر آن مبارزه ادامه میدهند و با یکدیگر عملاً هم بمان هستند. این دوساله اخیر مسائلی است که ما در گذشته به تفصیل از آنها سخن گفته‌ایم و در اینجا به تکرار آنها نمیپردازیم.

لکن اکنون این سؤال مطرح میشود که اگر این سه جریان سیاسی جامعه حقایقیت و اصالت داشته و در عمل نیز اینرا نشان داده‌اند، اگر این سه جریان سیاسی دارای مواضع و اهداف مشترک بوده و در عمل نیز در راه تحقق این اهداف همسود شده‌اند، اگر از نظر تاریخی و طبقاتی نیز در مبارزه ضد امپریالیستی پیوندهای فراوان با یکدیگر برقرار کرده‌اند، پس دیگر چه دلیلی برای ادامه جدایی آنها، چه دلیلی بر ادامه عملکرد مجزای آنها باقی میماند؟ و آیا جدایی آنها و عملکرد مجزای آنها به تضعیف انقلاب کمک نمیکند؟

دوره بیشتر باقی نمیماند؛ با حرکت بسوی اتحاد و با حرکت بسوی جدایی هرچه بیشتر، راه اول راهی است که واقعیات مبارزه ضد امپریالیستی بما حکم میکند و راه دوم راهی است که تفرقه جویی دشمنان انقلاب پاسخ میدهد. اگر راست است که رمز پیروزی انقلاب اسلامی ایران در "وحدت کلمه" بوده‌است، پس رمز

رد. در این صورت، باید بدسیم حه انحصار طلبی حدو مرز نمی شناسد و همانطور که در آغاز مقاله نیز به آن اشاره کردیم، حتی نیروهای اسلامی را نیز در امان نمیگذارد. و این درست همان چیزی است که مردم ما در این دوره اخیر تجربه کرده‌اند.

اکنون زمانی است که باید با توجه عمیق به خواسته‌های توده‌های مردم، به نیازهای اساسی انقلاب و با هوشیاری در برابر تشدید توطئه‌های دوا بر قدرت و عمالشان، انحصار طلبی و قدرت طلبی را کنار بگذاریم و برای اتحاد آماده شویم. در این رابطه کوشش های اخیر جناح های مختلف حاکمین امری است امیدوارکننده که باید با عمل صادقانه و پیگیرانه دنبال شود و به کلیه نیروهای ضد امپریالیست واقعی جامعه بسط داده شود. باید همه جناح ها آگاه باشند که در این شرائط تکروری و فرصت طلبی هیچ نتیجهای عاید آنها نخواهد ساخت. هیچ جناحی تصور نکند که با توجه به شلوغی اوضاع میتواند برای فرقه خود به زیان وحدت ملی نیرو جمع آوری کند، زیرا توده‌ها هوادار آن جناح و آن نیروی سیاسی هستند که بیشتر از همه و صادقانه تر از همه خواهان وحدت بوده و در این مسیر گام بردارد. و چه خوب است که نیروهای مختلف سیاسی بجای مسابقه فرقه‌گرایی، در بدست آوردن دل توده‌ها که تنها از طریق مبارزه برای اتحاد بزرگ ملی میسر است، از یکدیگر بیشی بگیرند. یعنی تحولی عمیق در روحیه خود بوجود آورند. فقط در صورت چنین تحولی است که

میهن ما و ملت ما خواهد توانست آینده روشن خود را تضمین کند. از جنبش آینده‌ای هستند. با خیزیم و خود را برای استقبال از این خواست مقدس و عظیم توده‌ها آماده کنیم با خیزیم و اتحاد بزرگ ملی سه جریان تاریخی جامعه ما را، جریان مترقی و جریان سوسیالیسم انقلابی را، بوجود آوریم.

زنده باد اتحاد بزرگ ملی که یگانه راه خروج از بحران کنونی است.

زنده باد اتحاد بزرگ ملی که مشی ظفر نمون ادامه و پیروزی انقلاب اسلامی است.

